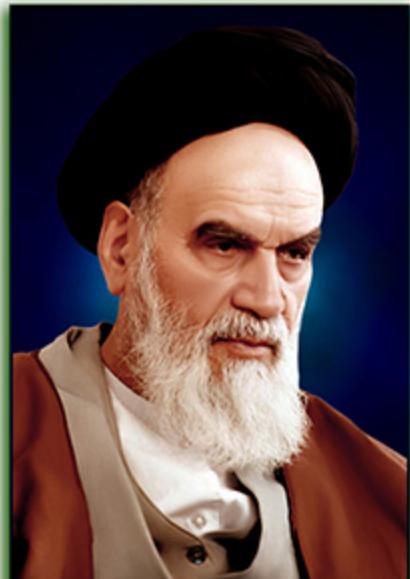




بِلَمْ شیخ بهائی

کمپاریکه عشق
با خون نوشت





لام خمینی (ره):

کربلا را زنده نگه دارید و نام مبارک حضرت سید الشهداء را
زنده نگه دارید، که با زنده بودن او اسلام زنده نگه داشته می شود.



مقام معظم رهبری:

علم و تحقیق، حکایت قطعی پیشرفت کشور است.



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

وزارت علم و تحقیقات و فناوری



دانشگاه شیخ بهائی

غیر دولتی - غیرانتسابی

عنوان مجله:

جامع شیخ بهائی

(مجله داخلی دانشگاه شیخ بهائی)

زمستان ۹۲

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

دکتر سید محمود خاتون‌آبادی؛ معاونت دانشجویی و فرهنگی

مدیر اجرایی: هادی ادریسی

طراحی جلد و اجرا: هادی ادریسی و فهیمه موسوی

صفحه آرایی و مونتاژ: فهیمه موسوی

نگارش، بررسی و نظارت: شورای سردبیری

رایانامه مجله:

jshbu1392@gmail.com

jshbu@shbu.ac.ir

مسئولیت مطالب هر بخش به عهده نگارنده آن می‌باشد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲	شیخ بهائی کیست؟ (امور فرهنگی)
۷	پیام وحی (امور فرهنگی)
۸	کلام معصوم (امور فرهنگی)
۹	حکایتی شگفت در مورد محتشم کاشانی (امور فرهنگی)
۱۲	موانع استجابت دعا(مشاوره فرهنگی)
۱۷	خودشناسی (مرکز مشاوره دانشگاه)
۱۸	بی تحرکی مانع برای تناسب اندام و تنظیم وزن (سمیه علی زمانی - گروه تربیت بدنی)
۲۰	فرهنگ ادیان(سید علیرضا هدایی)
۲۴	انجمن ادبی شیخ بهائی
۲۴	بررسی غزلی از مولانا
۲۸	دو غزل معاصر
۲۸	معرفی کتاب «امثال و حکم»
۲۹	آشنایی با کاریکلماتور
۳۰	انجمن علمی مدیریت جهانگردی
۳۰	دقایقی مصاحبت با استاد مجید موزون
۳۲	گزارش سفر به کلهرود
۳۳	معرفی کتاب رشته جهانگردی
۳۴	انجمن علمی مدیریت
۳۴	آشنایی با مقاله «باز مهندسی در نظام تنظیم بازار»
۳۶	چند حکایت در باب مدیریت
۳۷	انجمن علمی مهندسی کامپیوتر و فناوری اطلاعات
۳۷	رایانه‌های کوانتومی
۴۲	گزارش فعالیت انجمن علمی مهندسی کامپیوتر
۴۴	خبر دانشگاه



شیخ بهائی کیست؟^۱

اسم و لقب: بهاءالدین محمد بن حسین بن عبدالصمد بن شمس الدین محمد

شهرت: حارثی - همدانی - جمعی - عاملی

پدر: حسین بن عبدالصمد

جد: عبدالصمد بن محمد

همسر: دختر شیخ زین الدین علی منشار عاملی

تولد: تزدیک غروب آفتاب - چهارشنبه ۲۷ ذیحجه سال ۹۵۳ هجری قمری

مکان تولد: قریه جمع منطقه جبل عامل لبنان

دوران کودکی و نوجوانی: تا سن ۱۳ سالگی در زادگاه خود بود

اولین مسافرت: کشور ایران، دوران سلطنت صفویان

مقصد و تاریخ ورود: در سال ۹۶۶ قمری همراه پدر در سن ۱۳ سالگی وارد قزوین شده است.^۲

مدت اقامت در قزوین: سیزده سال، از سال ورودش ۹۶۶ تا سال ۹۷۹ قمری از سن ۱۳ سالگی تا سن ۲۶ سالگی

مسافرت‌ها و سیاحت‌ها: هرات، خراسان، آذربایجان، عراق، آسیای صغیر، حجاز، سوریه، مصر، بیت المقدس، مکه و مدینه، لبنان

مدت مسافرت‌ها و سیاحت‌ها: ۳۰ سال

هدف از سیاحت: تحصیل علوم و معارف و جمع آوری دانش‌های مختلف از استاد برجسته کشورهای اسلامی و کسب فنون و مهارت‌های فنی و صنعتی و هنری

سفرهای زیارتی: پیاده با شاه عباس صفوی مشهد مقدس، عتبات عالیات، مکه، مدینه، بیت المقدس

تحصیلات:

۱- دانش‌های تخصصی: ادبیات عرب، فقه، اصول، تفسیر، حدیث، کلام و عقائد، عرفان، ریاضیات، هیئت و نجوم، شعر فارسی و عربی، تاریخ

۲- دانش‌های فنی: مهندسی نقشه کشی، مهندسی معماری، مهندسی تقسیم آب

۳- علوم غریبیه: جفر جامع، فنون و اسرار سحر، جفر صغیر، جفر کبیر، جفر ابیض، رمل، اعداد، طلسما، حروف

استادی و مشایخ

۱. تفسیر و حدیث و ادبیات عرب: پدرش شیخ حسین بن عبدالصمد و عده‌ای از علمای لبنان

۲. حکمت و منطق و کلام: مولانا عبدالله مدرس یزدی مؤلف تهذیب المنطق معروف به حاشیه ملا عبدالله

۳. هیئت و نجوم: ملا محمد باقر بن زین العابدین مؤلف کتاب مطالع الانوار

۴. ریاضیات: ملا علی مذهب، ملا افضل قاضی مدرس

۵. صحیح بخاری و احادیث اهل سنت: محمد بن محمد بن ابی الطیف مقدسی در بیت المقدس

۶. طب: حکیم عماد الدین محمود

علماء معاصر شیخ: میرداماد، قاضی نورالدین شوشتی، میرفندرسکی و ...

شاگردان برجسته و مشهور

۱. ملا محمد تقی مجلسی، پدر (علامه محمد باقر مجلسی صاحب بحار الانوار)

۲. ملامحسن فیض کاشانی (مؤلف بیش از ۲۰۰ اثر علمی)

۳. حکیم صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی معروف به ملاصدرا صاحب اسفار

۱- تحقیق و تنظیم: امور فرهنگی دانشگاه

۲- پادشاهان صفوی ابتدا شهر قزوین را پایتخت و مرکز حکمرانی خود قرار دادند، از آنجایی که این شهر در آن دوران محور و محل تجمع علماء و بزرگان شیعه بود، و صفویان از علماء و فقهاء و دانشمندان شیعه احترام و استقبال می‌کردند، پدر شیخ بهائی همراه با خانواده خود از لبنان مستقیماً وارد قزوین شدند.



امام صادق(ع): فراوانی مال حرام روزی را نابود می‌سازد و از بین می‌برد. (تحف العقول)



۴. سید احمد بن زین العابدین علوی مؤلف مفتاح الشفاء در شرح الهیات شفاء بوعلی
۵. فاضل جواد بغدادی، شارح زبدہ و خلاصہ الحساب استادش
۶. شیخ زین الدین محمد بن حسن بن زین الدین علی، پسر صاحب معالم، نوہ شہید ثانی
سیره نگاران و رجالین شاگردان شیخ را قریب به ۳۵ شخصیت شمرده اند.

تألیفات معروف و چاپی^۱

۱- اثنی عشریات خمس (فقه) ۲- اربعین (حدیث) ۳- تشریح الافلاک (هیئت و نجوم) ۴- جامع عباسی (رساله عملیه) ۵- خلاصہ الحساب (ریاضیات) ۶- حبل المتنین (حدیث) ۷- زبدہ (اصول فقه) ۸- صمدیہ (نحو) ۹- کشکول (متفرقات) ۱۰- مفتاح الفلاح (ادعیه) ۱۱- درایة (حدیث‌شناسی) ۱۲- مشرق الشمسین (تفسیر - فقه قرآنی) ۱۳- عروة الوثقی (تفسیر سوره حمد) ۱۴- تحفه حاتمیه (هیئت) ۱۵- کلیات شیخ بهائی (شعر فارسی)

اولین اثر: در سن ۱۳ سالگی جناب شیخ کتاب پدرش عزالدین حسین در واجبات علمی و عملی را، به خط خودش استنساخ کرده است و در آخر این رساله نوشته است:

تمت الرسالة بعون الله و حسن توفيقه على يد العبد الى الله الفنى بهاء الدين بن حسين حارثى يوم الثلاثاء من شهر شوال فى مشهور سنة ست و سنتين و تسعماهه. و اين سال ۹۶۶ همان سال ورود شیخ بهائی و پدرش به قزوین است که شیخ ۱۳ ساله بوده.

دومین اثر: در سن ۱۶ سالگی کتاب (اشکال التأسيس) قاضی زاده رومی که از کتاب های معتبر نجوم است به خط او در کتابخانه دانشکده (مدرسه سپهسالار) در تهران موجود است، که از ابتدا تا انتهای به خط اوست. این کتاب سه سال بعد از اینکه به ایران آمده در قزوین نوشته شده است.

مالحظه شود، نوجوانی که در سینین پایین (۱۳ سالگی و ۱۶ سالگی) چنین کتاب های وزین و عمیق علمی را به خط خود نسخه برداری کند روش است که تا چه اندازه شیفته دانش و آموختن است، و تا چه مقدار شور و اشتیاق به کسب علوم و معارف دارد. سالی که نکوست از بهارش پیداست.

مقام و منصب سیاسی و اجتماعی: شیخ الاسلامی دربار صفویه

محل سکونت در اصفهان: محله (تل واذگان) واقع در جنوب شرقی اصفهان

وفات: دوازدهم شوال ۱۰۳۰ قمری

سن: ۷۷ سال

محل دفن: مشهد مقدس - در محوطه حرم امام رضا(ع)، بقعه شیخ بهائی

خاندان و نیاکان شیخ بهائی

۱. ریشه یابی شخصیت شیخ

نهال های ثمریخش و پریار علم و فضل و کمال و عرفان و معنویت و ده ها فضائل علمی و اخلاقی دیگر، در گلستان شخصیت شیخ بهائی ریشه در سرزمین فضیلت خیز و سرسبز آباء و اجدادش دارد.

گرچه جناب شیخ بی اتكاء به دیگران و بدون وابستگی به خاندان، فرزند خلاقیت و ابتکار و تلاش خویش است، او چارچوب کمالات روحانی و درجات و تخصصات علمی و هنری اش را با دستان مبتكر و قهرمان ساز خود بالا برد، اما این نیمی از پیکره مجلل و عظیم شخصیتش است، که روینا و نمایان است. نیم دیگر شخصیتش را - که زیر بنا و اساس است - باید در شجرستان کرامت گستر و دانش پرور خاندان گذشته اش جستجو کرد. پیشینه تابناک و سابقه درخشان و ارزشمند نسب خانوادگی شیخ را نایاب در تکوین فضائل و ساماندهی شخصیت علمی و معنوی اش نادیده گرفت.

جناب شیخ بهائی از اصیل ترین و شریف ترین خاندان های معتبر و ریشه داری است که مدل های پرافخار کرامت و عزت و فضل و کمال و دانش، همیشه به طور مستمر و نسل اندر نسل در سلسله زرین طبقات خاندانش دست به دست شده تا به او رسیده است.

سیره نگاران، زنجیره گوهرين او و نياکانش را به اين صورت تنظيم کرده اند:

^۱- این ۱۵ موارد از آثار مهم و مفصل و مشهور شیخ است. شرح حال نویسان و رجال پژوهان آثار تألیفی او را اعم از کوتاه و بلند تا ۱۲۲ مورد هم نوشته اند، تنها در فقه ۲۹ اثر و در شعر و ادبیات عرب ۲۸ مورد از قلمش نام برده شده.



جناب شیخ بهائی از عشیره فقه و اصول و حدیث و تفسیر و ... است، که جلالت و عظمت و اعتلاء، از تمام جوانب آباء و اجدادش پرتو افشاری می‌کند، زیرا با نظری عمیق و تحقیقانه در کتب سیره و منابع تاریخی و رجالی به وضوح و روشنی این واقعیت به دست می‌آید که پدر و جد و پدر عیال و برادر و سایر نیاکانش، حتی زوجه‌اش، همگی از عالمان دین و فقهاء مذهب و پیشوایان شریعت و مراجع مهم و طراز اول تقیید بوده‌اند. بنگرید:

۲. علامه شیخ عزالدین حسین بن عبدالصمد پدر بزرگوار شیخ بهائی

شیخ عزالدین حسین که پدر شیخ بهائی است، شخصیتی است فاضل و عالمی جلیل القدر است که در علم اصول و کلام و فقه و حدیث و شعر و در صفت **لذت** و چیستان تبحر و مهارت داشت. آن دو (شیخ بهائی و پدرش) از علماء و فقهاء مشهورند که گستره شهرتشان در کتب سیره و جوامع رجالی ثبت است.

۳. شیخ عبدالصمد، جد شیخ بهائی

شیخ عبدالصمد در زمان حیات خود عالمی معروف و فاضلی شاعر و جلیل القدر بود. این معرفی گرچه طولانی و گسترده نیست - اما در عین ایجاز و اختصار - لوح فشرده‌ای از عظمت و اعتلاء و جلالت آن بزرگوار را در معرض دیدگان ما قرار می‌دهد.

۴. شیخ زین الدین علی، پدر عیال شیخ بهائی

شیخ جلیل القدر زین الدین علی معروف به منتشر از بهترین فضلاء معاصر شاه طهماسب صفوی بود. و این همان پدر عیال شیخ بهائی است، که کتب زیاد و منابع ارزشمندی از هند به ایران آورد. بعد از استادش، شیخ علی کرکی، مقام شیخ‌الاسلامی را در اصفهان به دست آورد و از مقربین شاه طهماسب صفوی گردید. آن منصب بعد از او به دامادش شیخ بهائی رسید.

۵. عبد الصمد بن الحسین، برادر شیخ بهائی

عبد الصمد بن الحسین بن عبدالصمد العاملی ابوتراب، برادر کوچک شیخنا البهائی فاضل جلیل همان است که شیخ بهائی به جهت او صمدیه را تصنیف کرد، چنان که در اویش به آن اشاره فرموده، و شیخ حسین والدش اجازه به او و برادرش شیخ بهائی داده و از برای اوست حواشی لطیفه و تحقیقات منیفة بر شرح اربعین برادر بزرگوارش.

۶. زوجه شیخ بهائی، فاضلی فقیه و دانشمند

از صاحب ریاض العلماء نقل است که فرموده: ما شنیدیم از بعض معمربن ثقات که ایام حیات آن معظمه عالمه را درک کرده بودند، می‌گفتند که آن مخدره در فقه و حدیث و مانند آن درس می‌فرمود و طایفه نسوان بر او قرائت می‌کردند.

۷. حارت همدانی جد اعلای شیخ

با ریشه یابی و کندوکاو در سرزمین شجرستان شیخ به معدن و منبع اصلی می‌رسیم، که تمام فضائل و علوم و کمالاتی که از شیخ و برادر و پدر و جد و اجدادش پرتو افشاری شده، ریشه در آن منبع اولیه دارد. مولد و مرکز اصلی اشرافات علمی و معنوی و روحانی خاندان شیخ بهائی جناب حارت همدانی است. این شخصیت عظیم الشأن جد اعلای شیخ بهائی است.

بالاترین امتیاز و شأنیتی که می‌توان برای حارت همدانی بیان کرد، جایگاه و موقعیتی است که این یار مخلص در نزد امیر المؤمنین علی (ع) دارد. روایت ذیل به صراحة و روشنی مکانت رفیع و کهکشانی او را در نزد علی (ع) برای ما اثبات می‌کند:

اصبغ بن نباته می‌گوید:

در جمع گروهی از شیعیان - که من هم با آن‌ها بودم - حارت همدانی وارد بر حضرت علی (ع) شد. از آنجایی که حارت مريض و ناتوان بود، به سختی قدم بر می‌داشت. حضرت امیر(ع) همین که دید حارت می‌آید به استقبال او رفت - زیرا حارت در نزد علی (ع) منزلت و احترام داشت - حضرت پرسید: ای حارت! خودت را چگونه می‌یابی و در چه حال هستی؟ عرض کرد: یا امیر المؤمنین! روزگارم به سر آمده...

راوی در این روایت نقل می‌کند که: حضرت به استقبال حارت آمده، و این به تنهایی بهترین مدرک بر جلالت و اعتلاء، و بالاترین مدال افتخار و عزت برای اوست. زیرا علی (ع) بیهوده به کسی بها و ارزش نمی‌دهد.

سرچشمیه بودن و مرکزیت حارت همدانی در رأس هرم خاندانش، راز عظمت و کمالات و دانش گسترشی شیخ را برای ما می‌گشاید. با دقت و تأمل در ولایت محوری و غلامیت و شاگردی حارت در مکتب علی (ع)، متبع به این نکته بی می‌برد که تملک و احاطه شیخ بر گنجینه عظیم علوم و معارف و کرامات و کمالات بی علت و نالاسان نبوده است. حکایت دارایی‌ها و سرمایه‌های علمی و معنوی و اشرافی شیخ حکایت خورشید و شعاع‌های باریکی از تابش خورشید است، شیخ از روزنہ جدش حارت همدانی آنچه دارد پرتوهای نازکی از خورشید عرش تاب و ملکوتی علم و فضل و کمال علی (ع) دارد.

جامعیت و بی کرانگی شخصیت شیخ

۱. دامنه کمالات و فضائل

هر متبع ژرف نگری در اقلیم بی کران و پهناور شخصیت علمی و معنوی، و آفاق فضل و کمال، و گستره وسیع دانش و علوم و تحقیقات شیخ بهائی قدم گذارد، در همان بدو ورود بدون هیچ شک و تردیدی زبان به عظمت و جامعیت و بی کرانگی دامنه کمالات و علوم و فضائلش می گشاید. تمام سیره نویسان و فضلاء و محققین و رجال پژوهان بعد از او به وسعت و جامعیت علمی و کمالی او اعتراف کرده اند:

شیخ حر عاملی در (امل الامل):

شیخ بهائی... در علم و فضل و فقه و تحقیق و دقت علمی و جلالت و عظمت شخصیت و تالیفات دلنشیں و شیوه‌ای قلم و مجموعه کمالات و محسان مشهورتر از آن است که معرفی شود. فضائل و مناقبیش در کثیر و وسعت بیشتر از آن است که در حصار شمارش قرار گیرد. او در گستره و افق علم و فضل و کمال زبردست و کارشناس و متبحر بود. در شعر و ادبیات و قلم فرسایی و نوشтар جامع و کامل بود. در عصر خود، در فنون فقه و حدیث و معانی و بیان و ریاضیات و سایر علوم یگانه و بی نظیر بود.

سید علی خان کبیر در (سلافة العصر):

شیخ علامه بهاءالدین محمد... پرچم راست قامت و برجسته‌ای در صف پیشوایان بزرگان است، و سرور علماء و دانشمندان جهان اسلام و اقیانوس مواج و متلاطم علم و فضل... او علامه جهان بشریت و زنده کننده و آبدگر دین در قرن یازدهم است. پیشوایی و ریاست مذهب به دست او بود. استوانه‌های استدلال و براهین و قواعد علوم با تحقیقات او بربا شد. جمیع فنون و شاخه‌های علم را در خود جمع اوری کرد، و بر این واقعیت همه اتفاق و اجماع دارند.

اگر بخواهیم واقیت و نشانه‌های عظمت و برجستگی‌ها و کمالات و جامعیت شیخ بهائی را ذکر کنیم، مقدمه از مقدمیت خارج می‌شود و خود کتاب مستقل و قطور و هنگفتی خواهد شد که موجب ملال و دلزدگی می‌گردد، زیرا قریب به صد مورد، مورخین و اصحاب سیره و بزرگان علم و دین و تحقیق، جناب شیخ را به بزرگی و کمال و جامعیت توصیف و ستایش کرده‌اند. ما فقط به همین دو مورد اکتفا کردیم، آن هم در نهایت ایجاز و اختصار.

۲. امیر فضل و خرد

اگر برای دانش و معرفت بشری، کتابخانه‌ای عظیم و کهکشان سقف به درازای تاریخ بشریت تأسیس شود، و در این کاخ سترگ و بلند اندیشه، جمیع تالیفات و تولیدات عقلی و نقلی و فراورده‌های ذهنی و ذوقی و شهودی و عرفانی اعم از علوم و فنون هنر و ذخائر ادراکی و فکری دانشمندان و محققین و خردورزان و قلم فرسایان جمع اوری شود، بدون هیچ اغراق و گزاره‌ای، جناب شیخ بهائی طبقات مهم و مفصلی از این کتابخانه بی کران را به خود اختصاص می‌دهد.

تخصص علمی و ارتفاع تفکر و معلومات عمیق بیشتر بزرگان علم و فضل و خرد از قد و قواره دو یا سه علم فراتر نرفته است، اما نوادر مردانی هستند اعجوبه و کمیاب، که نه تنها در ده‌ها علم و فن و هنر، ماهر و مبتکر و صاحب نظرند، بلکه خود امیر فضل و خرد، و شهربار ملک ادب، صدر نشین مجلس تفکرند و ریاست کنگره ادراک و تعلق و عقیده و ایمان و اخلاق را بر عهده دارند، و جناب شیخ از قبیله همین نوادر ملکوتیان عرش مسیر است، و چه زیبا این فراز را استاد شیخ محمد رضا شبیبی عراقی به تصویر کشانده است:

پاره‌ای از تالیفات و آثار شیخ بهائی در برگیرنده فوائد و مطالب ارزشمند فلسفی است، علاوه بر اینکه در رشته ریاضیات و هیئت و نجوم تالیفات و آثاری دارد.

فرازی از کتب رجال و تراجم اختصاص دارد به معرفی تعداد کمی از دانشمندانی که در مجموعه‌ای از علوم و فنون اطلاعات و معلوماتی دارند، اما چقدر کمیابند آن محققین و صاحب نظرانی که جمیع علوم و معارف و فنون را در خود جمع کرده‌اند، و در تالیف و شیوه‌ای عبارت و تدوین آثار و تولید کتب علمی موفق بوده‌اند، به حدی که سایر علماء و هم رדיافتانشان به چنین توفیقاتی دست نیافتد.

و شیخ بهائی از قبیله همین نوادر مردان کمیاب است که به طور شگفت‌انگیزی بر جمیع علوم و فنون عصر خود احاطه و تسلط داشت، اعم از علوم عقلی و نقلی، و در تالیف و تدوین و اشاعه آن علوم توفیقات فوق العاده‌ای داشت، علومی مانند: فقه و اصول و حدیث و تفسیر و لغت و جمیع رشته‌های ادبیات و حکمت و صنعت و ریاضیات و هیئت و نجوم.

شخصیت متضاد و متنوع

یکی از پدیده‌های بسیار عجیب و شگفت‌آوری که در منطقه اسرارآمیز روح علمی شیخ به چشم می‌خورد، شخصیت متضاد و منتشر چند ضلعی فکر و ذهن است. شگفتی و اعجاب در این است که آن اعجوبه با کدام ابزار، و با چه مهارت و پشتکار و فنیتی گوهر ذهن خود را در دهها بعد و زاویه تراش داده که توانسته است از هر خلش شعاعی از پرتوهای متنوع و ناهمگون و جور و اجور علوم و فنون متغیر از آن‌ها بدرخشد. در هزارتوی مکتب خانه پر قیل و قال ذهن خود، شهد شیرین علم عاشقی را در کاسه زهر شفاء ریخته، و گوهر گراناییه شریعت مرتضوی را با مهره‌های فقه و کلام بی اصول آمیخته، و تار و بود اشارات بوعلی را با طریقت مرتضوی به هم بافته.

وقتی جستجوگر قدم در فکرستان اسرارآمیز و شگفت انجیز ذهنش می‌گذارد، می‌بیند هم فقیه است و هم معمار و نقشه‌پرداز، هم لغوی و نحوی است و هم مهندس، هم محدث و راوی است و هم ریاضیدان و فلک سیر، هم عارف و سالک است و هم وزیر دربار و سیاستمدار، انسان مات و مبهوت می‌ماند که فقه و اصول و فقاهت چه ربطی به معماری و مهندسی و نقشه‌کشی دارد. یک عارف سالک اهل خلوت و راز با کدام قالب و روحیه‌ای در کاخ بلند عالی قاپو در کنار شاه عباس به سیاست و وزارت و امور کشوری و کارهای اجرائی می‌پردازد.

محدثی که با اخبار و روایات و کتب حدیثی سر و کار دارد، با چه فکر و ذهن و نیرویی معادلات سنگین ریاضیات و مسائل پیچیده جبر و مقابله را حل می‌کند و از اسرار و رموز اسطرالاب و هیئت و نجوم سر در می‌آورد. ادبی که در لابلای الفاظ و لغات و صرف و نحو می‌لولد، چگونه توان غوطه ور شدن در اقیانوس عمیق و اسرارآمیز فلسفه و حکمت و اشراق را دارد. عجیب اینجاست که در اکثر آن علوم متضاد و ناهمگون تألیف و نظر و مطلب و فرمول و قاعده از خود به یادگار نهاده است. سیره نویسان در شرح حالش نوشته‌اند که چه بسا فرمول‌های لایحل و پیچیده و غامضی که ریاضیدانان و حکماء گذشته از حل آن عاجز بوده‌اند، او با چرخ دنده قوی و شکننده ذهنش حل کرده است.

۳. جایگاه علمی شیخ

اعجاز جامیت و تنوع و بی کرانگی دانستنیها و اندوخته‌های علمی شیخ از اینجا اثبات می‌شود که نه تنها بر علوم متعارف و مرسوم حوزه‌های علمیه تسلط و تفوق داشت، بلکه بر علوم نادر و کمیابی که با حوزه‌های علمی روحانیت تناسب چندانی نداشت، آگاه و مسلط بود. روانشناسی، عرفان، جامعه‌شناسی، ریاضیات، هیئت، فلکیات، تاریخ، طب، داستان نویسی، معماری، نقشه کشی کلان (نقشه کشی شهری)، مهندسی تقسیم آب، مهندسی تقسیم اراضی، علوم غریبیه، جفر جامع و جفر کبیر و صغیر، قواعد و اصول سحر و شبده، رشته‌های فنی و صنعتی و مهندسی و طراحی اسطرالاب و ربع مجیب... در گنجینه اسرارآمیز ذهن خود داشت.

علماء و محققین و خردورزان و اهل فضل و ادراک، از منظر جایگاه و طبقات علمی و فکری، هر کدام درجات و مکانتی دارند، این طبقه بندی و استقرار به موازات و تناسب تراویثات فکری و ذهنی و به مقدار تحقیقات و ژرف اندیشه‌های علمی‌شان است. از زاویه طبقه‌بندی و جایگاه‌شناسی علمی، جناب شیخ‌بهائی در درجه بسیار بلندی از قله رفیع و کهکشانی علم و فضل قرار دارد، زیرا طول موج بی کران تحقیقات و معارف و ادراکات شهودی و فکری شیخ در جمیع علوم عقلی و نقلي و فنی و غریبیه، قابل مقایسه با متفکرین و محققان زمان خود نیست. توجه شود که محقق شناسن اسلام پژوه و سیره نگار معروف علامه سید محسن امین در اثر گرانقدر خود (اعیان الشیعه) مکانت و جایگاه علمی شیخ را چگونه ترسیم می‌کند:

تاریخ علوم و تمدن اسلامی سرشار از تعداد کثیری از محققین و دانشمندان است، عده‌ای از علماء تلاش و نیرویشان در تحصیل یک دانش معین صرف شده است، تعدادی از فضلاء فقط به دنبال کسب علوم و معارف دینی رفته‌اند. بعضی به علوم مادی پرداخته‌اند به حدی که زندگی وحیاتشان در چارچوب تخصص همان یک فن طی شده است و پا را فراتر نگذاشته‌اند.

اما جناب شیخ‌بهائی جامع همه علوم بود و سرزمین دانش‌ها و فنون عصر خود را در نور دید و بر اساتید و بزرگان هر علمی غلبه کرد و با رهپویان و دانش‌پژوهان هر نوع علم و فن و هنری دمساز و همدرس شد، به حدی که یکی از متخصصین و صاحب نظران همان علم قرار گرفت، و همین جامیت و تسلطش بر همه علوم سبب تفوّق و پیشنازی و برتری او شده است. او را می‌توان در شمار همه گروه‌ها و شاخه‌های علمی قرار داد و عنوانی فقیه و محدث و عارف و فیلسوف و ریاضیدان و ادیب و نحوی و سایر عناوین را حقیقتاً بر او اطلاق کرد.^۱

^۱ - نک: جواد معصومی، کلیات دیوان شیخ‌بهائی، صفحات ۷۹ و ۶۶ و ۲۶



پیام وحی (۴)^۱

إِنَّ النَّفْسَ لَآمَارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَجَمَ رَبِّي^۲

درادمه سخن پیرامون هواي نفس بدینجا می رسیم که فرد و یا جامعه‌ای که اداره خویش و مدیریت زندگیش به دست احساسات باشد هیچ گونه امیدی برای رسیدن به حق و حقوق خود در دنیا و در آخرت ندارد گرچه در پنداش خویش دست کم خود را در دنیا در جایگاه رفیع بیند.

می بینیم در کتاب حق می فرماید: إنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ قَالُوا كُنْتُمْ فِيهِمْ كُنْتُمْ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتَهَاجِرُوا فِيهَا، فَأَوْلَئِكَ مَا وَيْهُمْ جُهْنَمُ وَسَأَلَتْهُمْ مَصِيرًا^۳ شاید بتوان از محتوای این شریفه چنین استبطاط نمود که آنان که ملاکشان در دنیا عقل و دین نبود بلکه زمام زندگی خویش را نه حتی به دست هواي خویش که به مدیریت هواي دیگران دادند هرچند در این جهان به استضعاف و سختی گذرانند ولی در آخرت نیز سرنوشتی بدتر خواهد داشت.

پیداست که فرزند آدم که تاج «گرمنا» برسر دارد از دیدگاه دینی همه چیز درجهت و برای سعادت اوست، مهم این است که اگر فرد یا جامعه‌ای به اختیار خود فرماندهی و مدیریت برخویشتن را در اختیار مبانی خرد و مبانی دین ندهد درنتیجه خواه گرددش چرخ زندگیش در محدوده اختیارات احساسات قرار خواهد گرفت، یعنی مورد دیگری به غیر از احساسات نعمی ماند که این مستولیت را پذیرا باشد.

و در این رابطه اگر به خوشبختی نسبی با درصد بسیار پایین هم برسد چیزی جزیک اتفاق و تصادف نیست زیرا هواي نفس بینایی ندارد که در پرتو و فروغش راه سعادت روشن و هموار گردد بلکه صرف تمایل و تضرف و غراییز محرکش بیانگر خواستن و یا نخواستن فرد و جامعه است و نه بیانگر مفید بودن و یا مضر بودن آن.

حال سخن این است که آیا اگر در نیازهای برخواسته از احساسات گاهی بصورت اتفاقی ممکن است که منافقی هم باشد بنابراین هواي نفس همواره به سمت و سوی کڑی نمی برد ولی می بینیم که حفتمالی در قرآن مجید از قول یوسف پیامبر (ع) می فرماید: «إِنَّ النَّفْسَ لَآمَارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَجَمَ رَبِّي» آیا این شریفه بیانگر آن نیست که هرچه هواي نفس می گوید چیزی جز بدی نیست؟

در پاسخ این پرسش و یا ابهام شاید بتوان به دو گونه پاسخ داد:

۱- در پرتویی پرتو احساسات هیچ مثبت و منفی دیده نمی شود و لذا اگر اتفاقی مثبتی هم باشد هیچگونه ضمانت در نایود شدن آن به وسیله موارد منفی دیگر نیست.

۲- توضیحی که شاید متنق تر باشد این است که احساسات بهترین ابزار و وسیله است که ابلیس وقتی دید که فرد از خرد و دین بدور است براحتی می تواند مدیریت آن را به نفع خویش و به ضرر فرد مصادره کرده و نگذارد حتی بصورت اتفاقی هم مورد مثبتی از این طریق مطرح گردد.

بنابراین امروزه موارد و نمونه‌های زیادی از آنچه داشته‌های فیزیکی و یا دست آوردهای علمی بشریت را به طور کلی و یا جهان سوم را بویژه به ورطه سقوط کشانده و می کشاند چراً آن در گفتار و محاورات اهل فرهنگ و نیز جامعه شناسی مطرح و مورد توجه است.

حال باید بررسی گردد که آیا جهت دادن برخی از این دستاوردها به سمت هلاکت آیا خاصیت ذاتی آن دستاورد است یا اینکه بشریت در شیوه بهره‌وری به سبب اینکه احساسات را جلو اندخته چار این گونه آسیب‌های خطرناک شده است.

^۱- تهیه و تنظیم: امور فرهنگی دانشگاه

^۲- براست که نفس انسانی بسیار وادارنده به بدی است جز آن را که خداوند بر حمتش نگه دارد؛ یوسف، آیه ۵۳.

^۳- آنکه فرشتگان قبض روحشان کنند در حالی که به خویشتن ستم کرده اند از آنان پرسنده: چگونه بودید؟ گویند: مردم ضعیف و ناتوان بودیم، گویند: آیا زمین خدا پهناور نبود که هجرت کرده (لو نجات پایید؟) آنان جایگاهشان دوزخ است که بد جایگاهی است، سوره نساء، آیه ۹۷.



رهنمودی

که مدارش به توکل گذرد

رهنمودی که مدارش به توکل گذرد



کلام معصوم(ع)(۴)^۱

در قسمت قبل با استفاده از سخن منور پیامبر اسلام(ص)^۲ پیرامون اهمیت عقل توضیحاتی مطرح گردید، و در مورد جمله اول حدیث - که می‌فرماید: خداوند چیزی برتر از عقل در بین مردم قسمت نکرده است- به مراحل عقل از دیدگاه هستی شناسان الهی پرداختیم، در این قسمت به بحث و بررسی پیرامون ادامه کلام شریف جناب خاتم انبیاء(ص) می‌پردازیم.

حضرتش در ادامه می‌فرماید:

«فَتَوْمُ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ سَهْرِ الْجَاهِلِ وَإِقَامَةُ الْعَاكِلِ أَفْضَلُ مِنْ شَخْصِ الْجَاهِلِ»: خواب انسان خردمند از بیداری نادان و بی‌خرد برتراست و توقف خردمند از حرکت و تلاش نادان و بی‌خرد برتراست.

توضیح اینکه فردی که به مرحله رشدی از خرد رسیده حتی خواب و استراحت او جنبه و توجیه منطقی دارد؛ چرا به خواب می‌رود؟ در چه زمانی و در چه مکانی و به چه میزانی از خواب بهره می‌برد؟ جهتی که برای حرکت به سمت استراحت می‌کند تا توان یابد چیست؟ اینها همه و همه توجیه عقلی دارد، ولی شخص بی‌خرد هرگاه در اوج کم خوابی و در اوج تلاش حتی علمی باشد برای کار منبت خود نیز توجیه منطقی ندارد.

اینکه در مواردی تکنولوژی بیش از آنچه به بشریت داده است از او می‌گیرد آیا بدين معنا نیست که هدایتش در دست بیخردانی است که اگر اندک بهره‌ای از عقل آن هم از نوع عقل غیر‌زال جزئی خویش داشته همه و همه درجهت ارضای خود و اشباع خودخواهی بکارگرفته شده است؟

اینان با دوری از خرد مسلمات اولیه عقل یعنی ارزش بودن عدالت و ضد ارزش بودن ستم را در نیافته اند!

در مورد این افراد است که بزرگان گفته‌اند در مقایسه بیداری و خواب البته خوابشان برای بشریت بهتر است.

در این رابطه شیخ سعدی می‌گوید: یکی از ملوک بی‌انصاف پارسایی را پرسید: از عبادتها کدام فاضل‌تر است؟ گفت تو را خواب نیم روز تا در آن یک نفس خلق را نیازاری!

گفتم این فتنه است خوابش برده به

ظالمی را خفته دیدم نیم روز

آن چنان بد زندگانی مرده به^۳

و آنکه خوابش بهتر از بیداری است

در مواردی انسان بی‌خرد هر چند قدرت ستم بر خلق خدا را ندارد ولی به شیوه‌ای دیگر اوقات به ظاهر بیداری را نه در رشد خود و نه در خدمت به جامعه که بجای مراقبت در حال خویش و کشف ایرادات و اشتباهات و لغزشی‌ها خود بلکه در به زیر ذره بین گذاردن خلق خدا و عیب جویی از آنان می‌نهد گویا او پاکترین است و دیگران آلوده‌ترین و عقده سلطه نداشتن بر مردم را با روشی دیگر درستم ورزی بدانان می‌گذارند.

شیخ سعدی در این مورد نیز به طرح حکایتی هشدار دهنده می‌پردازد:

یاد دارم که در ایام طفویلت متبد بودم و شب خیز و مولع زهد و پرهیز، شبی در خدمت پدر نشسته بودم و همه شب دیده بر هم نیسته و مصحف عزیز برکنار گرفته و طایفه‌ای گرد ما خفته، پدر را گفتم از اینان یکی سر بر نمی‌دارد که دوگانه‌ای بگزارد چنان خواب غفلت برده‌اند که گویی مرده‌اند!

گفت: جان پدر تونیز اگر بخفتی به از آن که در پوستین خلق افتی:

که دارد پرده پندار در پیش

نیبند مدعی جز خویشن را

نبینی هیچ کس عاجزتر از خویش^۴

گرت چشم خداینی بیخشند

ادامه دارد...

^۱- نگارش: امور فرهنگی دانشگاه

^۲- نک: کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۴.

^۳- سعدی، کلیات، ص ۱۶.

^۴- سعدی، کلیات، ص ۲۶.

حکایتی شگفت درمورد محتشم شاعر مرثیه سرا^۱

بازارش سرمه کله خل عالم

بازارش سرمه کله خل عالم
بازارش سرمه کله خل عالم

مرحوم حاج ملا علی خیابانی تبریزی در کتاب وقایع الایام داستانی را در مورد محتشم شاعر مرثیه سرای حضرت سید الشهداء علیه السلام بدین مضمون نقل می فرماید:

گویند:

چون پسر مولانا محتشم در گذشت مرثیه ای در باره او گفت، شبی حضرت اسدالله القالب علی علیه السلام را در خواب دید فرمود: ای محتشم برای فرزند خود مرثیه و شعر سروبدی ولی چرا برای قره العین و نور چشمانم حسین مرثیه نگفتی؟ صبح که بیدار شد در اندیشه این خواب بود، که شبی دیگر باز امیر المؤمنین علیه السلام را در خواب دید که فرمود:

برای فرزندم حسین مرثیه ای بگو!

عرض کرد فدایت شوم، چه بگویم؟

فرمودند بگو :

(باز این چه شورش است که در خلق عالم است)

بیدار شد مصرع دیگر در خاطرش بود همان ساعت به یمن توجه شاه اولیاء واژ برکت عنایات ان حضرت به سروden بقیه اشعار ادامه داد تا به این مصرع رسید:

(هست از ملال گرچه برى ذات ذوالجلال) مصرع دیگر به خاطر او نمی رسید و در ذهن نمی امد، چند روزی بر این منوال گذشت، شبی حضرت قائم علیه السلام را در خواب دید که فرمودند:

بگو:

(او در دل است وهیچ دلی بی ملال نیست)

مقصود این است که شبیه ای در این نیست که مرثیه ایشان مورد قبول حضرت رسول مختارصلی الله علیه واله وسلم است. لذا تا این اندازه مقبولیت عامه پیدا نموده که در هر کوئی و بزرگ اشعار او به صورت کتیبه ها بر روی در و دیوار تکایا و مساجد و مراکز مذهبی نصب شده است.

(نقل از وقایع الایام خیابانی ، طبع سنگی)

^۱- تهیه و تنظیم: امور فرهنگی دانشگاه



ایات انتخابی از ۱۲ بند محشم کاشانی

بند اول:

باز این چه نوحه و ، چه عزا و ، چه ماتم است؟

باز این چه شورش است، که در خلق عالم است

بی نفح صور، خاسته تا عرش اعظم است

باز این چه رستاخیز عظیمت، کز زمین

این رستاخیز عام، که نامش محرم است

گر خوانمش قیامت دنیا، بعد نیست

بند دوم:

در خاک و خون فتاده میدان کربلا

کشتی شکست خورده ای طوفان کربلا

خون می گذشت از سر ایوان کربلا

گر چشم روزگار بر او فاش می گریست

خوش داشتند حرمت مهمان کربلا

از آب هم مضايقه کردند کوفیان

بند سوم:

یک شعله، برق خرمن گردون دون شدی

کاش ان زمان ز اه جهانسوز اهلیست

سیماب وار، گوی زمین بی سکون شدی

کاش ان زمان که این حرکت کرد اسمان

ارکان عرش را، به تلاطم دراوند

ال نبی (ص)، چو دست تظلم بر اوند

بند چهارم:

زان ضربتی که بر سر شیر خدا زند

نوبت به اولیا چو رسید، اسمان طیبد

بر خلق شنه ای خلف مرتضازند

پس ضربتی کز ان جگر مصطفی درید

تاریک شد ز دیدن ان چشم افتاب

روح الامین نهاده بزانو سر حجاب

بند پنجم:

از بس شکستها، که به ارکان دین رسید

نزدیک شد، که خانه ای ایمان شود خراب

طوفان به اسمان، ز غیار زمین رسید

نخل بلند او چه خسان، بر زمین زند

گرد از مدینه، بر فلک هفتمنی رسید

باد، ان غبار چون به مزار نبی رساند

چون این خبر به عیسی گردون نشین رسید

یکباره جامه، در خم گردون، به نیل زد

او در دلست و، هیچ دلی، نیست بی ملال

هست از ملال، گر چه بربی، ذات الجلال

بند ششم:

یکباره بر جریده ای رحمت قلم زند

ترسم، جزای قاتل او چون رقم زند

دارند شرم، کز گنه خلق دم زند

ترسم کزین گناه، شفیعان روز حشر

شوید غبار گیسویش از آب سلسیل

پس بر سنان کنند سری را که جبرئیل

بند هفتم

خورشید، سر بر هنر بر آمد، ز کوه سار
افتاد در گمان، که قیامت، شد اشکار

روزی که، شد به نیزه، سر ان بزرگوار
عرش ان زمان بلرژه در آمد، که چرخ پیر

بند هشتم:

شور نشور واهمه را در گمان فتاد
سرزد، چنانکه اتش از آن، در جهان فتاد

بر حربگاه، چون ره ان کاروان فتاد
بی اختیار نعره‌ی (هذا حسین) از او

بند نهم:

وین صید دست و پا زده در خون، حسین تست
دود از زمین رسانده بگردون، حسین تست

این کشته فتاده به هامون، حسین تست
این نخل تر، کز اتش جانسوز تشنگی

بند دهم:

ما را غریب و بیکس و بی آشنا بین
بنیاد صبر و خانه‌ی طاقت خراب شد
مرغ هوا و ماهی دریا کباب شد

کای مومن شکسته دلان حال ما بین

بند یازدهم:

وز کین چهادرین ستم آباد کرده ای
بیداد کرده خصم و تو امداد کرده ای
بنگر که را به قتل که دلشداد کرده ای
با مصطفی و حیدر و اولاد کرده ای
از آتش تو دود به محشر در آورند^۱

خاموش محشم که دل سنگ آب شد
خاموش محشم که ازین حرف سوزناک

بند دوازدهم:

ای چرخ غافلی که چه بیداد کرده ای
بر طعمت این بس است که با اعترت رسول
کام بزید داده ای از کشتن حسین(ع)
با دشمنان دین توان کرد آنچه تو
ترسم ترا دمی که به محشر بر آورند

^۱ - دیوان محشم کاشانی

کاظمی^۱

موانع استجابت دعا

مقدمه

یکی از عوامل روشنایی جوامع اسلامی، دعا و نیایش است که همواره باعث طراوت، شادابی و امیدواری این جوامع بوده است. شناخت شرایط اجابت دعا از سویی و معرفت نسبت به موانع اجابت از سوی دیگر، در حیات این سنت ارزشمند مؤثر است.

اگرچه «نیایش» در هر شرایطی دارای نتیجه‌های است، ولی اگر خواسته باشیم در حد کمال، دارای نتایج مورد نظر باشد، می‌بایست علاوه بر در نظر داشتن شرایط و آداب آن، به موانع و اموری که ممکن است دعا را از اثر بخشی حقیقی دور کند توجه کافی داشته، در حد امکان در رفع آن‌ها کوشش کنیم.

در بخش پیشین در مورد عوامل و شرایط استجابت دعا مطالعی را ارائه نمودیم و در این قسمت به موانع اجابت دعا اشاره‌ای گذرا خواهیم نمود. قبل از شمردن موانع اجابت دعا مناسب است سخن ارزشمند از کتاب شریف المیزان را نقل کنیم که فرموده است:

«درخواست حقیقی - با زبان فطرت - همیشه با اجابت همراه بوده و از آن تخطی و تخلف نمی‌کند؛ و دعاها بی که به اجابت نمی‌رسد فاقد یکی از این دو امر است:

یا درخواست حقیقی، در آن‌ها نیست، بلکه به واسطه روش نبودن مطلب برای دعا کننده - به اشتباہ - اصری را خواستار می‌شود و یا چیزی را می‌خواهد که اگر برحقیقت امر مطلع می‌شد نمی‌خواست، برای مثال، دعا کننده کسی را مرض پنداشته و شفای او را از خدا می‌خواهد، در صورتی که عمرش تمام شده و شفای مرد در آنجا مورد ندارد، بلکه باید زنده کردن او را از خدا خواست، و او چون از زنده شدن مرده به واسطه دعا مایوس است، به طور حقیقی آن را خواستار نمی‌شود، و البته اگر کسی مانند پیامبران چنین امیدی داشته باشد و دعا کند، مستجاب خواهد شد.

و یا اینکه سوال و درخواست هست، ولی - به طور واقعی - سوال و درخواست از خدا نیست، مثل اینکه کسی حاجتی را از خدا بخواهد ولی به سبب‌های عادی - یا امور وهمی که گمان دارد کفایت امرش را می‌کند - دل بسته باشد. در این صورت خواستن به حسب حقیقت از خدا نیست، زیرا خدایی که دعاها را مستجاب می‌کند، کاری را با شرکت اسباب و اوهام انجام نمی‌دهد. پس، این دو دسته از دعا کنندگان، گرچه با زبان، دعای خالص می‌کنند ولی در دلشان چنین نیست.^۲

موانع اجابت دعا

امید به غیر خدا

بزرگترین مانع پذیرش دعا این است که به کسی یا چیزی غیر از خدا امید بسته و یا او به صورت مستقل مورد نیایش قراردهیم. از حضرت صادق عليه السلام نقل شده است که فرمود:

«اذا اراد احدكم ان لا يسأل ربه شيئا الا اعطاه فليباس من الناس كلهم، ولا يكون له رجاء الا عند الله، فإذا علم الله عزوجل ذلك من قلبه لم يسأل الله شيئا الا اعطاه».^۳

«هرگاه یکی از شما بخواهد که هرچه از خداوند درخواست کند به او بدهد، باید از همه مردم چشم امید قطع کرده و جز به خدا امید نبندد. پس، چون خدای عزوجل دانست که او به راستی چنین است، هر چه از خدا بخواهد به اعطاء کند.»

گناه و معصیت

یکی دیگر از موانع مهم پذیرش دعا، نافرمانی و سریچی از دستورات خداوند است. بندگان خدا با هر قدمی که به سوی گناه برمی‌دارند یک قدم از خداوند فاصله می‌گیرند و موجبات محرومیت‌خویش از اجابت الهی را فراهم می‌آورند.

امام باقر علیه السلام در این باره فرموده است: «إِنَّ الْعَبْدَ يُسَأَلُ اللَّهَ الْحَاجَةَ فَيُكَوِّنُ مِنْ شَانِهِ قَضَاوَهَا إِلَى أَجْلٍ قَرِيبٍ أَوْ إِلَى وَقْتٍ بَطِيءٍ فَيُذَنِّبُ الْعَبْدُ ذَنْبًا فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِلْمَلَكِ: لَا تَقْضِي حاجتَهُ وَاحْرَمْهُ إِيَّاهَا، فَإِنَّهُ تَعْرُضُ لِسُخْطِيِّ وَاسْتُوْجِبُ الْحَرْمَانِ مِنِّي».^۴

بنده از خداوند حاجتی را می‌خواهد و از شان خداست که آن را در آینده‌ای نزدیک یا با تاخیر برآورده سازد، اما بنده مرتکب گناهی می‌شود، پس، خداوند تبارک و تعالی به فرشته می‌گوید: حاجت او را برمی‌آور و او را از آن محروم گردان؛ زیرا که او خود را در معرض خشم من نهاد و مستوجب محرومیت از سوی من شد.

در روایات به برخی از گناهانی که از پذیرش دعا جلوگیری می‌کنند اشاره شده است. به عنوان نمونه یک مورد از این روایات بیان می‌شود. امام سجاد علیه السلام فرموده است: «الذنوب التي ترد الدعاء، سوء النية و خبث السريرة والنفاق مع الاخوان وترك التصديق بالاجابة وتأخير الصلوات المفروضات حتى تذهب اوقاتها وترك التقرب الى الله عزوجل بالبر والصدقة واستعمال البداء والفحش في القول».^۵

^۱ - مشاور فرهنگی امور فرهنگی و دانشجویی

^۲ - المیزان، جلد ۲

^۳ - کافی، جلد ۲، ص ۱۴۸

^۴ - سیحه الانوار، ج ۷۳



امام حسین ع): من کشته اشکم : هر مؤمنی مرا یاد کند ، اشکش روان شود. (کامل الزیارات ، ص ۱۸)



گناهانی که موجب رد شدن دعا می‌شوند عبارتند از: نیت بد، پلیدی باطن، دو رویی با برادران دینی، باور نداشتن اجابت دعا، به تاخیر اندختن نمازهای واجب تا آن زمان که وقتیش بگذرد، دوری جستن از نزدیک شدن به خدای بزرگ با کار خیر و دادن صدقه، و به کارگیری کلمات زشت و ناسزا درگفتار.«

امیرمؤمنان علیه السلام تاثیر گناه در عدم اجابت دعا را این گونه بیان می‌فرماید:

«لا تستبطئ اجابة دعاؤك وقد سدت طريقة بالذنب.

اجابت دعایت را کند نخوان درحالی که راهش را با گناهان بسته‌ای.»^۲

ترک امر به معروف و نهی از منکر

کسانی که این دو فریضه الهی را ترک می‌کنند دعایشان مستجاب نخواهد شد. چنانکه پیامبر گرامی اسلام در این باره فرموده است: «لتامرن بالمعروف ولتنهنه عن المنكر او لسلطنه الله شراركم على خياركم ويدعوا خياركم فلا يستجاب لهم[يا امر به معروف و نهی از منکر کنید، و يا [این نتیجه پیش می‌آید که] خداوند، بدترین شما را بر بهترین شما مسلط می‌کند، و خوبترین شما دعا می‌کنند، ولی مستجاب نمی‌شود.]»^۳

ستم و تجاوز به حقوق دیگران

یکی دیگر از موانع پذیرش دعا، تجاوز به حقوق دیگران است که در روایات فراوانی برای مطلب تأکید شده است.

علی علیه السلام فرمودند: «ان الله عزوجل اوحى الى عيسى بن مریم عليه السلام: قل للملائكة من بنى اسرائیل... اني غير مستجيب لاحد منكم دعوه - ولاحد من خلقى - قبله مظلمة

خداوند به عیسی بن مریم وحی فرمود: به اشراف [و بزرگان] [بنی اسرائیل] بگو: ... من هرگز دعای کسی از شما یا دیگر آفریدگانم را که برگردنش حقی از دیگران است، اجابت نخواهم کرد.»^۴

کسب حرام

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «ان العبد ليرفع يده الى الله ومطعمه حرام، فكيف يستجاب له وهذا حاله

همانا بمنه دستش را [برای دعا] به درگاه خدا بالا می‌برد در حالی که خوراکش حرام است. با چنین حالی، چگونه دعایش مستجاب می‌شود؟»^۵

همچنین در حدیث قدسی خداوند فرمود: «فمنك الدعاء وعلى الاجابة فلا تحجب عنى دعوه الا دعوه أكل الحرام.

از تو دعا کردن و از من اجابت نمودن، پس هیچ دعایی از من محجوب نماند مگر دعای حرامخوار.»^۶

غفلت و بی خبری

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «اعلموا ان الله لا يستجيب دعاء من قلب غافل لاه.

بدانید که خداوند دعای را که از دلی غافل و بی خبر باشد اجابت نمی‌کند.»^۷

مخالفت با حکمت الهی

در برخی از موارد، انسان به خاطر نداشتن آگاهی، چیزی را از خدا می‌خواهد که با حکمت الهی سازگاری ندارد و به مصلحت او نیست، از این رو دعایش مستجاب نمی‌شود.

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «ان كرم الله لا ينقض حكمته؛ فلذلك لا تقع الاجابة في كل دعوه

به راستي که كرم [و بزرگواری] خدای سبحان، حکمت او را نقض نکند؛ و از این رو هر دعایی اجابت نشود.»^۸

خداوند متعال این مصلحت اندیشی و حکمت خود را این گونه یادآوری می‌فرماید: «عسى ان تكرهوا شيئاً و هو خير لكم و عسى ان تحبوا شيئاً و هو شر لكم والله يعلم واتهم لا تعلمون.»

«بسا چیزی را خوش نمی‌دارید درحالیکه آن برای شما خوب است؛ و ساخته، و ادھست مر، دارد درحال، که آ، و ا، شما بد است؛ و خدا مر، داند و شما نمی‌دانید.»^۹

^۱- بحار الانوار، ج ۷۲

^۲- غور الحكم، جلد ۶

^۳- بحار الانوار، جلد ۷، ص ۳۱۱

^۴- حصاک، ص ۳۳۷

^۵- بحار الانوار، جلد ۷۵

^۶- بحار الانوار، جلد ۹۳، ص ۳۷۲

^۷- بحار الانوار، جلد ۹۳، ص ۳۷۲

^۸- غور الحكم



انجام ندادن فرامین الهی

احادیث و روایاتی در این زمینه وارد شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «اربعة لا يستجاب لهم دعاء: رجل جالس في بيته يقول: يا رب ارزقني فيقول له: الْمَ أَمْرُكَ بِالظَّلْمِ؟! ورجل كانت له امرأة فدعا عليها: فيقول: الْمَ اجْعَلْ أَمْرَهَا يَبْدُكَ؟! ورجل كان له مال فافسدته فيقول يا رب ارزقني، فيقول له: الْمَ أَمْرُكَ بِالاِقْتَصَادِ؟! ورجل كان له مال فادانه بغير بینه: ... فيقول: الْمَ أَمْرُكَ بِالشَّهادَةِ؟!

چهار گروهند که دعایی از آن‌ها مستجاب نمی‌شود: کسی که درخانه خود نشسته و می‌گوید: خداوندا! مرآ روزی ده، [خداوند] به او می‌فرماید: آیا به تو دستور تلاش و کوشش ندادم؟ و کسی که زنی دارد و آن زن نفرین می‌کند: [خداوند] می‌فرماید: مگر امر او را به دست تو قرار ندادم؟ و کسی که مالی داشته و آن را بیهوده تلف کرده و می‌گوید: خداوندا! به من روزی مرحمت کن [خدا] به او می‌فرماید: مگر دستور میانه روی به تو ندادم؟ و کسی که مالی داشته و بدون شاهد و گواه به دیگری وام داده [اما وام گیرنده منکر شده است]. خدا به او می‌فرماید: مگر به تو دستور ندادم که [به هنگام وام دادن] شاهد و گواه بگیری؟^۱

خیانت دل

فردی از امام علی علیه السلام سؤال کرد: با اینکه خداوند فرموده است: «ادعوی استجب لكم»^۲ چرا دعای ما مستجاب نمی‌شود؟ آن حضرت فرمود: به خاطر این که دل‌های شما در هشت مورد خیانت کرد:

اول: شما خدا را شناختید ولی حق او را به جا نیاوریدی، پس این شناخت‌سودی به حال شما نداشت.

دوم: شما ایمان به پیامبر او آوردیدی، سپس با سنت او به مخالفت برخاستید و شریعت او را نادیده گرفتید، پس چه شد ثمراه ایمان شما؟! سوم: شما کتابی را که نازل شد خواندید، ولی به آن عمل نکردید. گفتید: «سمعونا واطعننا»، سپس مخالفت ورزیدید.

چهارم: شما گفتید که از آتش می‌ترسید، درحالی که همواره با گناهان خود به آن نزدیک می‌شوید، پس چه شد ترس شما؟!

پنجم: شما گفتید که علاقمند به بهشت هستید، درحالی که همواره با کارهایتان از آن دور می‌شوید، این چه علاقه‌ای است که دارید؟! ششم: شما نعمت‌های پروردگار را استفاده کردید ولی سپاسگزاری نکردید.

هفتم: خداوند شما را به دشمنی با شیطان فرا خواند و فرمود: «ان الشیطان لكم عدو فاتخذوه عدوا»^۳ درحالی که شما در حرف با او مخالفت و دشمنی کردید ولی در عمل با او طرح دوستی ریختید.

هشتم: شما همواره عیب‌های دیگران را در نظر آوردید و عیب‌های خود را پشت‌سر انداخته و فراموش کردید، آن‌ها را ملامت کردید، درحالی که خود به ملامت‌سزاوارتر بودید.

پس با این وضع کدام دعا از شما مستجاب شود، درحالی که با این کارها درهای اجابت پروردگار را بر روی خود بسته‌اید.^۴ عدم اجابت دعای صالحان

گاهی دعای انسان‌های خوب نیز به اجابت نمی‌رسد درحالی که هیچ یک از موانع مذکور نیز وجود ندارد. این دعاها به عنوان اندوخته‌ای گرانقدر در قیامت به آن‌ها می‌رسد.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و روایت شده است که فرمود: «يَدْخُلُ الْجَنَّةَ رِجَالُنَّ كَانُوا يَعْمَلُونَ عَمَلاً وَاحِدًا فَيُرِي احْدَهُمَا صَاحِبَهُ فَوْقَهُ فَيَقُولُ: يَا رَبَّ

بِمَا أَعْطَيْتَهُ - وَكَانَ عَمَلُنَا وَاحِدًا - فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: سَالِنِي وَلَمْ تَسْأَلِنِي دو نفر در بهشت وارد می‌شوند که هر دوی آن‌ها یکسان عمل کردند، ولی یکی از آن دو، دیگری رامی‌بیند که جایگاهش از او بالاتر است؛ پس

می‌گوید: پروردگارا! به خاطر چه این جایگاه را به او دادی، با اینکه عمل ما یکسان بود؛ خدای متعال پاسخ می‌دهد: [به این سبب که] او از من درخواست کرد و تو درخواست نکردی.^۵

در روایت دیگری، از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لِيَدْعُوا اللَّهَ عَزَّوَجَلَ فِي حَاجَتِهِ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَ اخْرُوا اجَابَتْهُ، شَوْقًا إِلَى صَوْتِهِ وَدُعَائِهِ»^۶ مؤمن، خدای عزوجل را در مورد حاجت‌خود می‌خواند، پس خداوند عزوجل [به ملانکه] می‌گوید: اجابت‌ش را به تاخیر اندازید، به خاطر اشتیاق به [شنیدن] صدا و دعای او.

^۱- البقره، آیه ۲۱۶

^۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۵۱۱

^۳- سوره فاطر، آیه ۲۵

^۴- سوره فاطر، آیه ۲۵

^۵- سفینه‌البحار، قسمت دعا

^۶- بخار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۰۲

^۷- اصول کافی، ج ۳، ص ۴۷۹

این این بسته هایی باز شد تا خود را آدمهای را زشت
خصل عین از هر کسی میگان نداشت یعنی از اینها شکست

الله اکبر

بنی اسرائیل پیغمبر می ایجادی هستی

ب

ت

و



تخت

بودی

خودشناسی

شهابالدین ادبی و آزاده آرمان پناه^۱

نقاط ضعف و قوت خود را با یک انکاس صادقانه تشخیص دهید، بر آن دسته از نقاط ضعف خود که باعث از بین بردن نقاط قوت شما می‌شود، توجهی خاص مبذول دارید، این نقاط ضعف می‌توانند یکی از دلایل احساسات نادرست دیگران در مورد شما باشد. شما برای کار در محل کارتان ارزش زیادی قائل هستید اما متأسفانه به میزان کافی نظافت خود را انجام نمی‌دهید. اگر کمی آشفته به نظر بیایید، مردم شما را فردی در هم ریخته و کثیف تلقی خواهند کرد شما احساس می‌کنید فردی آسان گیر هستید و چنبه‌ی انتقاد دارید اما وقتی کسی از شما انتقاد می‌کند، با ابروهای درهم کشیده، دست به سینه در جای تان می‌نشینید. البته ممکن است این فقط اول کار باشد و شما انتقاد را پذیرید اما مردم تصور خواهند کرد که فردی غیر قابل انتطاف، تدافی و ناسازگار هستید.

شما اعتماد به نفس خوبی دارید و فکر می‌کنید خوب از خودتان دفاع می‌کنید، امام نرم و ملایم سخن می‌گوید. چیزی که دیگران می‌بینند فردی خجالتی و خوددار است که از ترس و خجالت صحبت نمی‌کند. شما از نظر پهداشی و نظافت توجه زیادی به خود دارید اما از آن جا که عادت دارید صحیح‌ها دیر از خواب بلند شوید، چون وقتی برای اتو زدن ندارید همان بلوز کهنه را بر تن می‌کنید مردم لکه‌های روی لباس‌تان را نشان تبلی و بی احساسی و بی‌اعتنایی به خودتان و دیگران تلقی می‌کنند.

هماهنگ‌شدن احساس شما با دیگران

وقتی فهمیدید که احساس شما نسبت به خودتان تا چه اندازه با احساس دیگران متفاوت است باید سعی کنید با کنترل تصویر خودتان، این فاصله یا شکاف را پر کنید باید نقاط ضعفی که باعث محو شدن نقاط قوت شما می‌شود را تغییر زبان خود در مواجهه با انتقادهای دیگران نشان دهید که فردی انتقادپذیر و قابل اعطاف هستید.

خود واقعی تان را نشان دهید

البته نمی‌توانید امیدوار باشید تا همه احساسات غلط و منفی دیگران نسبت به خودتان را از بین ببرید و هیچ‌گاه نباید به خاطر راضی کردن دیگران، شان و مقام خود را پایین بیاورید. منظور از هماهنگ کردن خود با نظر دیگران این نیست که سعی کنید آن چه می‌خواهد، باشید، منظور این است که خود واقعی تان را به آنها نشان دهید نه این که سعی کنید چیزی باشید که نیستید.

برآرامش درونی تمرکز کنید

درون طوفان هم آرامش نهفته است. مهم نیست در هر زمانی از روز چه اتفاقی بیفتند. هر چه مسائل به نظر مشکل و پردردسر بیایند و هر چقدر که بخواهیم کارهای زیادی را در آن واحد انجام دهیم باید فقط به خلوتگاه درون خویش برگردیم و آرامش درونی پیدا کنیم. برای دسترسی به خلوتگاه درونی چشم‌های خود را بیندید و روشنایی آرام و ملایمی را در درون خود تصویر کنید. این فضا جایی است که ضربان قلب شما به فرمان شما آرام می‌تبدد به آن جا بروید. از دوردست استاد معنوی تان از راه می‌رسد در گوشستان زمزمه می‌کند «هر کجا می‌توانید خوبی کنید، هر چه می‌توانید به هر شکل که می‌توانید هر چند وقت که می‌توانید به همه اشخاص که می‌توانید و تا زمانی که می‌توانید». نور سفیدی فضای دلتان را آرام می‌کند. سپس بر این آرامش حاصل شده تمرکز کنید.

صفت‌های مثبت خود را افزایش دهید.

از غیبت کردن، تهمت و صفت‌های نستجیده درباره افراد یا حوادث، حسادت، کینه، دروغ و جر و بحث کردن با دیگران و رنجاندن دیگران به شدت پرهیز کنید. زیرا کسی که با انجام دادن این گونه اعمال، تراکمی از نیروی‌های منفی را به دوش و عذاب می‌کشد، خودتان هستید. زمانی که به دیگران کمک می‌کنید، مجموعه‌ای از نیروهای مثبت را به دور خود گرد آورده‌اید و این نیروی مثبت باعث آرامش شما می‌شود مثلاً هنگامی که وضو می‌گیرید الکتریسیته‌های ساکن را به سطح بدن خود می‌اورید. آب نیز رسانا است و برای شما امواج آلفا امواج آرامش بخش تولید می‌کند.

با کشیدن مسح سر این امواج را به کورتکس مغز انتقال می‌دهید و باعث می‌شود که ناجیه شلوغ ذهن آرام گیرد. با مسح یا انتقال امواج آلفا را در اندام‌های پایینی سرعت می‌بخشید بیشترین منطقه‌ای که در کره زمین امواج آلفا دارد کعبه است. زمانی که شما نماز می‌خوانید و به سمت خانه‌ی خدا قرار می‌گیرید و هفت قسمت بدن شما با زمین تماس پیدا می‌کند، امواجی را دریافت می‌کنید که باعث آرامش شما می‌شود.

بی تحرکی مانعی برای تناسب اندام و تنظیم وزن

سمیه علی زمانی^۱



چاقی را نمی‌توان معلول یک عامل خاص دانست. علل گوناگونی در بروز چاقی نقش دارند که همین موضوع سبب شده تا پدیده چاقی و کنترل وزن با پیچیدگی‌های خاصی روبه رو باشد. اما در یک تقسیم بندی کلی میتوان علل چاقی را در سه دسته اصلی قرار داد که عبارتند از: وراثت، محیط و بیماری، که سومی می‌تواند از هر دو عامل دیگر تأثیر پذیرد. در بین عوامل محیطی که می‌تواند در چاقی موثر باشد می‌توان به تغذیه، میزان فعالیت بدنی، عوامل اجتماعی و موارد روانی اشاره کرد. برای انکه به نقش ورزش و فعالیت بدنی در زمینه کنترل وزن پی ببریم باید موارد متعددی را مد نظر قرار دهیم. بالین دیدگاه عمومی که افزایش بی تحرکی یکی از عوامل خطرزا برای افزایش وزن در افراد می‌باشد، و این مسئله با تکنولوژی امروزه‌ی بی ارتباط نیست، پرسش‌های در این میان بی پاسخ خواهد ماند. از جمله اینکه: میزان بی تحرکی چگونه طبقه بندی می‌شود؟ و تا چه حد به عنوان عامل خطر محسوب می‌گردد؟ آیا همه افراد در حالت بی تحرکی بطور یکسان افزایش وزن نشان می‌دهند؟ بسیاری از تحقیقات به نقش ورزش در افزایش انرژی مصرفی و کاهش وزن تاکید داشته‌اند. این مطالعات توصیه می‌کنند که فعالیت بدنی به تنها یک تاثیرات محدودی بر وزن بدن در افراد چاق دارد و اگر با رژیم غذایی همراه شود موجب کاهش وزن متوسطی خواهد شد. تزدیک به ۸۰ درصد نوجوانان چاق در سنین بزرگسالی نیز دچار چاقی خواهد بود. اضافه وزن در نوجوانان باعث افزایش احتمال بروز طیف وسیع از عوارض در سنین بعدی می‌شود به طوری که حتی نشان داده شده که این عوارض بعد از ۵۵ سال نیز ایجاد شده‌اند. در مطالعه انجام شده در اصفهان روند اضافه وزن و چاقی در کودکان و نوجوانان جامعه مابین سالهای ۷۳ تا ۷۹ افزایشی نزدیک به دوبرابر نشان داده است، که این نتایج به این نتایج به این مسئله اشاره می‌کند که میزان ورزش منظم و فعالیت فیزیکی در نوجوانان جامعه ما کافی نیست.

یکی از اشکالات عمدۀ بعضی مشاوران در امر کاهش وزن آن است که به روش‌های قدیمی و معمول ورزشی که شامل تمرینات شدید و بلند مدت است متولّ می‌شوند که نتیجه این کار احساس بد افراد و عدم پیگیری برنامه خواهد بود.



وقتی افراد چاق از رژیم کم کالری استفاده می‌کنند، بافت بدون چربی کاهش می‌یابد که منجر به تعادل منفی نیتروژن می‌شود که در پی این خستگی و مشکلات روانی بوجود می‌آید. در واقع با رژیم غذایی جرم چربی و جرم بدون چربی کاهش می‌یابد. ترکیب رژیم غذایی و ورزش به

^۱ عضو هیئت علمی گروه تربیت بدنی



در طلب کاهلی نشاید کرد(سعدی)

گرچه بپرون زرزرق نتوان خورد

منظور کاهش جرم چربی توصیه می شود. رژیم غذایی به تنها بی می تواند موجب کاهش جرم چشمگیری بشود، اما ۴۰ درصد کاهش جرم مربوط به جرم بدون چربی است.

با اجرای برنامه های ورزشی کاهش جرم بسیار اندک است، اما ۸۰ درصد آن مربوط به چربی های بدن است، ترکیب این دو نتایج مطلوب تری به دنبال خواهد داشت. بسیاری از مردم معتقدند که ورزش دادن نواحی خاصی از بدن، باعث تسهیل روند تجزیه چرب در آن نواحی می شود و کاهش ذخایر چربی در آن ناحیه بیشتر به چشم می خورد. اما پژوهش ها نشان می دهند که کاهش منطقه ای چربی یک تخیل است و ورزش حتی اگر موضعی هم انجام شود، اغلب منجر به کاهش ذخایر چربی کل بدن می شود.



تأثیر فعالیت های بدنی بر بیماری های ناشی از چاقی

اگر چه قابلیت بدنی ممکن است اثار محدودی روی کاهش وزن داشته باشد، اما موجب کاهش مرگ و میر در بین افراد چاق می گردد و خود می تواند خطر وقوع بیماری های ناشی از چاقی همچون فشار خون بالا، افزایش چربی خون یا عدم تحمل گلوکز، را کاهش دهد. به طوری که، یکی از فواید فعال بودن از نظر بدنی، کاهش چربی بدن و افزایش بافت بدون چربی است. کلسترول ماده روغنی نرمی از دسته چربی ها است. برای حفظ سلامتی، کلسترول در حد متعادل ضروری است. چنانچه مقادیر کلسترول خون از ۲۰۰ میلی گرم در دسی لیتر فراز رو، در معرض افزایش ابتلاء به بیماری های قلبی قرار می گیریم. اغلب وقتی در باره ای چربی ها بحث می شود از واژه های کلسترول مفید(HDL) و کلسترول مضر(LDL) استفاده می شود. فعالیت ورزشی منظم معمولاً به افزایش کلسترول مفید خون منجر می شود، که به نوبه خود خطر بیماری قلبی زودرس را کاهش می دهد.

توصیه های ورزشی:

- بدون تردید بیماران چاق تمایل به انجام ورزش ندارند. این افراد جهت شرکت در برنامه تمرینی نیازمند تشویق هستند. آن ها باید تشویق شوند که در تمرینات تقریبی مورد علاقه خود به طور متناسب شرکت کنند.
- شنا و دیگر فعالیت های که در آب انجام می شود به منظور پیشگیری از گرفتگی عضلانی و صدمات ناشی افزایش وزن، توصیه می شود.
- معمولاً به تمرین سبک تا متوسطی که به مدت طولانی امکان انجام آن وجود داشته باشد، تمرین هوازی می گویند و این شکل از ورزش به دلیل افزایش کالری مصرفی، بیشترین اثر را در کاهش وزن دارد. بیاده روی و دویدن نرم از جمله تمرینات هوازی افراد چاق می باشد.



منابع

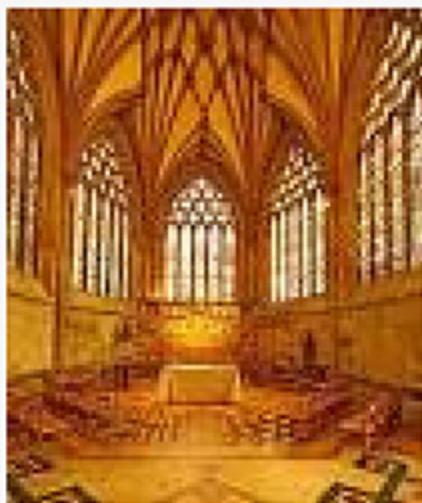
- روش نوین کاهش وزن، فربیا جعفری
- پیشگیری و درمان چاقی، دکتر فرهاد رحمانی نیا و دکتر زهرا حجتی
- بررسی و مقایسه روش های کاهش وزن، مریم نورشاھی و همکاران



فرهنگ ادیان (۲)

سید علیرضا هدانی*

دایره المعارف سه دین بزرگ (Three Great Religions)، اطلاعات گسترده‌ای از ادیان توحیدی، آیین‌ها، تاریخ و شخصیت‌های مهم ایشان به دست می‌دهد که در اینجا به بخش دیگری از مدخل‌های مربوط به مسیحیت این کتاب اشاره می‌کنیم:



Lady chapel

نمازخانه کوچک حضرت مریم (ع):

عبداتگاهی که به مریم عذرا (ع) اختصاص داشت و قسمتی از یک کلیسا بزرگ‌تر را تشکیل می‌داد.

Lady Day

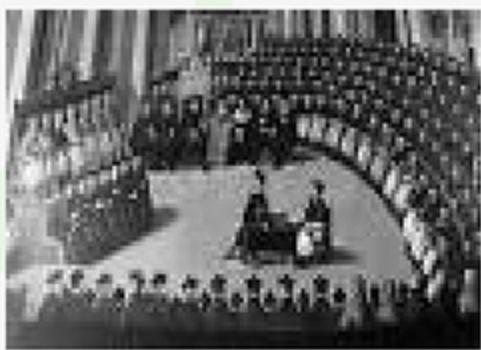
عید پشارت:

عید پشارت جبرئیل به مریم عذرا (ع)، روز ۲۵ مارس.

Lateran Councils

شوراهای لاتران:

پنج شورای جهانی کلیسای کاتولیک رم که در قصر لاتران رم برگزار شد: شورای لاتران اول (۱۱۲۳ م.): صرفاً احکام و فتاوی شوراهای قبلی را بازگو و تکرار کرد؛ خرید و فروش مناصب کلیسا می‌شده، افراد عادی و غیرروحانی از تصرف در اموال کلیسا منع شدند، ازدواج کشیشان در مراتب بالا قდغن شد، و تبرک و تقدیس اسقف‌ها، جز آن‌چه اقتضای قانون کلیساست ممنوع گردید.



شورای لاتران دوم (۱۱۳۹ م.): بدعوت پاپ بینوستت دوم تشکیل شد تا طرفداران آرنولد اهل برشیا - اصلاح طلبی پرشور که مخالف قدرت دنیوی پاپ بود - را به عنوان افرادی ترقه‌افکن محاکوم سازد. این شورا بدعوهای قرن دوازدهم را درباره رتبه‌های مقدس کلیسا، ازدواج و زناشویی، غسل تعمید اطفال، و آین عشاء ربانی بی‌اعتبار خواند.

شورای لاتران سوم (۱۱۷۹ م.): بدعوت پاپ الکساندر سوم و با حضور ۲۹۱ اسقف تشکیل شد که به برسی قرار داد صلح ونیز (۱۱۷۷ م.)، پرداختند که طبق آن امپراتور مقدس روم، فردیک اول (بارباروسا) پذیرفت تا حمایتش از ضد پاپ را کنار گذاشته، اموالی را که از کلیسا مصادره کرده بود بازگرداند. این شورا هم‌چنین، اکثریت دوسویی مجلس کاردینال‌ها را به منزله شرطی لازم برای انتخاب پاپ مقرر و تصریح کرد که نامزدهای منصب اسقفی باید حداقل سی ساله و حلال زاده باشند. کاتاری‌ها (یا الی چینس‌ها)ی بدعوهای محاکوم شدند و مسیحیان اجازه یافتند تا علیه دزدان ولگرد دست به اسلحه بزنند. این شورا معرف مرحله‌ای مهم در تحول و توسعه قدرت قانون گذاری پاپ بود.

شورای لاتران چهارم (۱۲۱۵ م.): به طور کلی آن را بزرگ‌ترین شورا پیش از شورای ترنت می‌دانند و تدارک آن سال‌ها طول کشید. پاپ بینوست سوم گسترده‌ترین برنامه ممکن را ارزو داشت. بنابراین، بیش از چهارصد اسقف، هشتصد راهب بزرگ و رئیس صومعه، نمایندگان پادشاهان اروپا، و نمایندگان شخص فردیک دوم (که شورا او را به عنوان امپراتور [روم] غربی پذیرفته و تأیید کرده بود) حضور یافتند. مجمع هدفی دوگانه داشت: اصلاح کلیسا، و بازستانی سرزمین مقدس. شورا حکم کرد که یهودیان و مسلمانان را لباس‌هایی متمایز به تن کنند، و مسیحیان کاتولیک را وادر



ساخت تا همه‌ساله اعتراف کنند و در هنگام عید پاک، نان و شراب مقدس بگیرند. اینوست دستور به آتش‌بسی چهارساله میان فرمانروایان مسیحی داد تا بتوان جنگ صلیبی جدیدی به راه انداخت.

شورای لاتران پنجم (۱۵۱۲-۱۷)؛ به دعوت پاپ ژولیوس دوم در باسخ به شورایی تشکیل شد که به دعوت گروهی از کاردینال‌های مخالف پاپ در پیزا منعقد شده بود. این شورا صلح را به میان فرمانروایان مسیحی متخاصم بازگرداند. در احکامی جزم‌اندیشانه، این شورا بر جاودانگی روح تأکید کرد و اعلامیه‌های شوراهای کنستانس و بازل را - که شوراهای کلیسا‌ای را فراتر از پاپ قرار می‌داد - مردود داشت.



Lateran Treaty

معاهده لاتران: پیمانی میان ایتالیا و واتیکان (که از سال ۱۹۲۹ تا ۱۹۸۵ م. نافذ و کارآمد بود). این معاهده میان بنیتو موسولینی از جانب دولت ایتالیا و کاردینال پیترو گاسپاری - وزیر امور خانه - از طرف حاکمیت پاپ به امضا رسید و در قانون اساسی (سال ۱۹۴۸ م.) ایتالیا مورد تأیید قرار گرفت. با تصویب معاهده لاتران، نظام پاپی دولت ایتالیا را به پایتختی رم به رسمیت شناخت و در عوض، ایتالیا حاکمیت پاپ را بر شهر واتیکان - قلمروی کوچک با وسعت ۴۴ هکتار - پذیرفت و استقلال تام پاپ را تضمین کرد. با اضاء، توافق‌نامه پاپی سال ۱۹۸۵ م. دیگر مذهب کاتولیک دین رسمی ایتالیا نبود. این تغییر وضعیت منجر به تحولات متعددی در جامعه ایتالیا گردید که مهم‌ترین آن‌ها پایان دادن به تحصیلات دینی اجباری در مدارس دولتی است. هم‌چنین، این توافق جدید، حوزه‌های گوناگونی نظیر معافیت مالیاتی مؤسسات دینی، و مالکیت گورستان‌های یهود را تحت تأثیر قرار داد.

Laud

تسبیح، ثنا، ستایش کردن: (اسم و فعل متعددی)، حمدکردن، ستودن، سرود نیایش در کلیسا، *Lauds* - صورت جمع آن - به معنای اولین وقت شرعی نیایش و نماز است که اغلب همراه با عبادت بامدادی [اول صبح روز یکشنبه] (*matins*) خوانده می‌شود. تا سال ۱۹۱۱ م. این نیایش همواره در بردارنده مزامیر ۱۴۸-۵۰ بود که در آن کلمه "Laudate" (به لاتین یعنی حمد و ستایش توراست) تکرار می‌شود و این نام‌گذاری از این جاست. در کتاب دعای عمومی، بخش‌هایی از نیایش‌ها و عبادات صحیحگاهی با یکدیگر تلفق شد تا نماز صبح را تشکیل دهد؛ (فعل متعددی)، (ادبی)، نیایش می‌کند، ستایش می‌کند.

Lazarus



ایلعازر: (در کتاب مقدس)، تنها در انجیل یوحنا حضور دارد که در آن او به عنوان برادر مارتا و ماری، و همان کسی توصیف می‌شود که به دست عیسی صلوات الله عليه و آله و سلم از میان مردگان برانگیخته شد. عیسی صلوات الله عليه و آله و سلم ایلعازر را فراخواند تا از قبر خارج شود، پس او با کفن خود خارج شد: عهد جدید. «سپس با صدای بلند فرمود: ایلعازر بیرون بیا! ایلعازر از قبر بیرون آمد، در حالی که تمام بدنش در کفن پیچیده شده و پارچه‌ای سر و صورتش را پوشانده بود. عیسی فرمود: او را باز کنید تا بتواند راه برود.» (یوحنا ۱۱: ۴۳-۴۴)

Leavened bread

نان مخمر (ورآمدہ):

در آیین قربانی مقدس یا عشاء ربانتی؛ اکثر کلیساهای شرقی از نان مخمر و کلیساهای غربی از نان غیر مخمر (فطیر) استفاده می‌کنند و این اختلاف سبب تفرقه و منازعه شد. در حال حاضر، در کلیسای انگلستان استفاده از هر دو رواست.

Lectern

T-30 Lectern



میز و پرده قرائت انجلی:

میز قرائت در کلیسا، به خصوص میزی که بر آن، قسمتی از کتب مقدس در مراسم کلیسا خوانده می‌شود.

Lection

گزیده انجلی:

(اسم)، یک قرائت، آیاتی از کتاب مقدس که در کلیسا خوانده می‌شود؛ گزیده و منتخبی از کتاب مقدس.

Lectionary

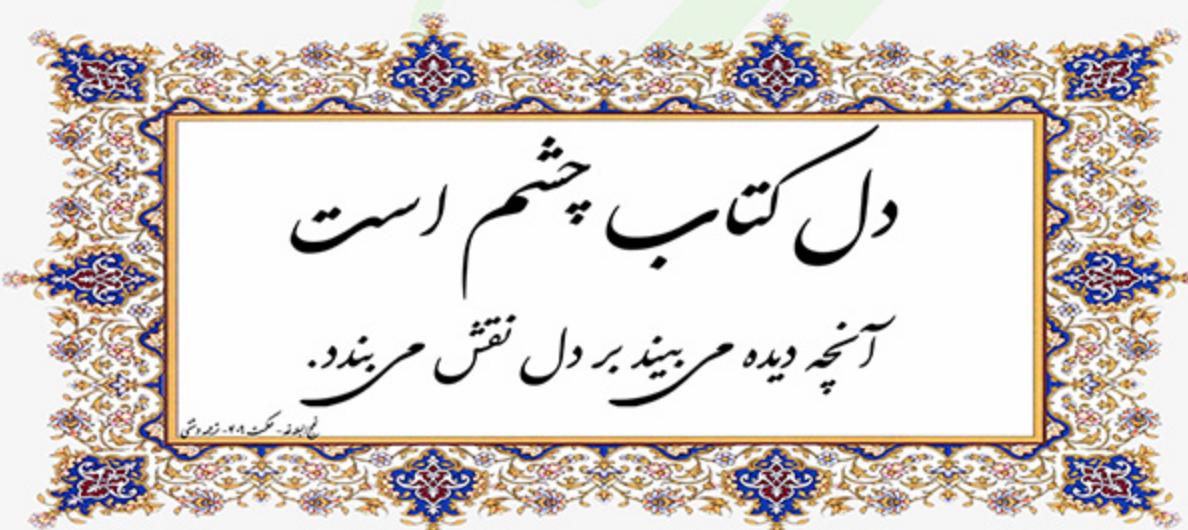
برگزیده کتاب مقدس، آیات منتخبه:

(اسم)، کتابی مخصوص گزیده‌هایی از کتاب مقدس برای قرائت در نیایش عمومی [کلیسا در طول سال]. تخصیص قطعاتی معین برای ایامی خاص، در قرن چهارم میلادی آغاز شد.

Lector

قاری، خواننده متن انجلی در کلیسا:

(اسم)، کشیشی در یکی از مراتب پایین؛ پایین‌ترین مرتبه در کلیسای ارتدوکس، یک مرتبه بالاتر از دریان کلیسا در کلیسای کاتولیک روم.



لایحه

؛

؛

؛

؛

؛

؛

؛

؛

؛

؛

؛

؛



میرزا
بزمی
دینی
نیز
لایحه

بورسی غزلی از مولانا

پویا علی یارزاده^۱
با اندکی استفاده از منابع

در این مقاله به بررسی یکی از غزلهای مولانا می‌پردازیم.

ای خواجه نمی‌بینی این خوش قد و قامت
من بر سر دیوارم از پهر علامت را
خورشید جمال او بدربده ظلامت را
درکش قدحی با من بگذار ملامت را
چون دید رخ ساقی بفروخت کرامتها

ای خواجه نمی‌بینی این روز قیامت را
دیوار و در خانه شوریده و دیوانه
ماهیست که در گردش لاغر نشود هرگز
ای خواجه خوش دامن دیوانه تویی یا من
پیش از تو بسی شیدا می‌جست کرامتها

در این شرح، به بررسی معانی لغات، معانی اصطلاحات به کاررفته، و مختصات شعری آن و جایگاه مخاطب شعر برای شاعر، می‌پردازیم.
نکته ای که لازم به ذکر است کاربرد طنز در بیتی از این غزل می‌باشد.
استاد شفیعی کدکنی در "زمینه اجتماعی شعر فارسی" در مقاله‌ای تحت عنوان "طنز حافظ"
تعاریفی از طنز می‌کنند:

"تصویر هنری اجتماع ترقیضی و ضدین" (۳۰۵)

در طنز نکته ای که نهفته این است که شخص گوینده قصد دارد که عیب مخاطب را بگوید اما در ایهام و پشت پرده و در کمال ملاحظه و احتیاط (که می‌دانیم یکی از ویژگی‌های بازی شعر حافظ است).
حال در این بیت از غزل، مولانا هم با دادن صفتی که می‌تواند مشخصه حتمی خواجه نباشد به طنزی گوید که تو خوش دامن هستی! یعنی آنکه تو نیستی.

ذرکش قدحی با من، بگذار ملامت را
کان پاک پاک دامن بهر زیارت آمد
که دگر می‌نخورم بی رخ بزم آرایی

ای خواجه خوش دامن، دیوانه تویی یا من
و مفهومی این چنین در این بیت از حافظ:
عیبم پوش، زنهار! ای خرقه می‌آسود
و یا طنزی که در این بیت می‌بینیم:

کرده‌ام تویه، به دستِ صنم باده فروش

و نکته‌ای دیگر در باب این غزل:
به نظر می‌رسد با توجه به اقسام حالات یک سالک و یا عارف که شمس در تعریف حالت با بیزید در مقالات خویش به آن اشاره کرده یعنی همان حالت صهو و سکر (هوشیاری و مستی)، شاید بتوان گفت که این غزل در مرحله مستی یا همان سکر مولانا سروده شده است.
دلیل آن را در مثالهای زیر می‌توان درک کرد:
"اینکه آورده‌اند با بیزید از خوردن خربزه امتناع می‌کرد زیرا که برای او مسلم نشده بود که بیغمبر خربزه می‌خورد است، این نمایانگر حالت صهو و هوشیاری اوتست و صوفی در حالت صهو بر متابعت راه بیغمبر و تقید به آداب شرع اصرار می‌ورزد....اما آن گفته‌ها که با بیزید دم از سیحانی می‌زد... بازتاب حالت سکر اوتست که در آن حالت بیخودی و بیخبری بر زبان او جاری می‌شود...."ص ۱۱۲، شمس تبریزی، محمد علی موحد شمس می‌گوید:

و "متابع特 محمد آن است که او به معراج رفت، تو هم بروی در بی او"

بر ان عقل ملوانه همه جمع بخندید
رخ ماه بیوسید چو بر بام بلندید"

"ملوان همه رفتند، در خانه بیندید
به معراج براید چو از ال رسولید



با کمی تأمل و تفکر به این نتیجه می‌رسیم که مولانا در چه حالتی به سرودن این غزل پرداخته است.
اما آنچه در این بررسی باعث خوشایند خاطر شد، حس مستی و عشق مولاناست که از تک کلمات غزلش جاریست و خواننده را به نوای خوش
عشق و شراب و مستی دعوت می‌کند.
موسیقی مستی می‌نوازد و ما را همقدم می‌کند.

معانی لغات:

خواجه: سرور ، آقا	قيامت: درآن وقت مردگان زنده شوند و قيام کنند (آندراج) (دهخدا)
ظلامت: تاریکی	درکش: نوشیدن
ملامت: سرزنش	شیدا: سخت عاشق، واله، سخت شیفته (فرهنگ دهخدا)
ساقی: شراب دهنده	كرامت: بزرگی
خوش دامن: پاک دامن	قدح: کاسه

اصطلاحات:

کرامت: خارق عادتی که بدست ولی انجام شود نه به دست پیغمبر که آن را معجزه گویند (فرهنگ فارسی معین)
خورشید: شمس، مهر و چون در عربی مونث است در معنای اصطلاحی آن از معشوق یاد می‌شود که در اینجا به شمس تبریزی اشاره شده است.
ماه: قمر (در عربی) اشاره به شمس تبریزی است.
قيامت: اندام و قامت دلبر و معشوق (در جستجوی حافظ)
ساقی: نزد صوفیه، فیض رسانندگان و ترغیب کنندگان را گویند که به کشف رموز و بیان حقایق دلهای عارفان را معمور کنند(کشاف اصطلاحات
الفنون)

و نزد سالکان پیر کامل و مرشد مکمل (کشاف اصطلاحات الفنون از کشف اللغات)
نیز حق تعالی ساقی صفت گشته شراب عشق و محبت به عاشقان خود می دهد و ایشان را محو و فانی می گویند و این معنی را جز ارباب ذوق و
شهود دیگری در نمی یابد(کشاف اصطلاحات الفنون) دهخدا

انعکاس مخاطب و یا معشوق شاعر در شعر:
شکل گیری و یا آغاز سرایش زمانی بود که عشق شمس در دل و جان مولانا با وجودش آمیخته شد و آن را از خود انداشت. عشقی که به گفته
استاد شفیعی کدکنی یکی از ارکان مهم در شکل گیری شعر است." گره خورده‌ی عاطفه و تخیل که در زبانی آهنجین شکل گرفته باشد".
و مولانا عاطفه اش با شیخ تبریز پژوهش پیدا کرد و اوج گرفت. او را از قید و بند زبان و خشک مذهبی خارج کرد و به او آموخت که چگونه می‌تواند
طریقت واقعی را در شریعت محمدی بیابد.
شمس، موسیقی وحدت در بیت تضادها را برای او آموخت و او را به میان رقصنه‌های سماع دعوت کرد و موسیقی واقعی هستی و نیستی، وجود و
عدم را برایش نواخت.

انسان کامل همان معشوق مولانا است. همان تعریف شمس است که مولانا را مجدوب و مقتون خود ساخت.
این عشق سبب می‌شود غزل پکوید و در غزلهایش می‌بینیم که شمس چگونه حضور روشنی دارد. از او می‌گوید؛ از ظاهرش:
چو بدان چشم عبه‌ی به سوی بنده بنگری

پبرد جانش از مکان به سوی لامکان تو

شمس تبریزی که فخر اولیاست

سین دندانهاش یاسین من است.^۱

از زبان و کلام جاذیش:

تا بیدید گفتن شیرین او

می‌فزاید گفتن خویشم ملال^۲

یا:

۱ - (ص ۱۶۳) شمس تبریزی، محمد علی موحد

۲ - (ص ۱۶۵) شمس تبریزی، محمد علی موحد



امام صادق (ع): هر که به زمان خویش آگاه باشد، اشتباها را او هجوم نمی‌آورد. (الکافی، ج۱، ص۲۲)



نبات مصر چه حاجت که شمس تبریزی

دو صد نبات بربزد ز زلف شکریار

از سفرهایش گله می‌کند:

ز شمس الدین تبریزی مقیم عشق می‌گوییم

^۱

خداآندا چرا چندین شهی اندر سفر باشد؟

از بی باکی‌ها و تند مزاجی‌های شمس می‌گوید:

ره و سیرت شمس تبریز گیر

به جرئت چو شیر و به حمله پلنگ (ص ۱۶۴، شمس تبریزی، محمد علی موحد)

و از حلم و تمکین و صیر شمس می‌گوید:

چو من دیدم عنایتها ز صدر غیب شمس الدین

شدم مغور، خاصه مست و مجnoon و خمار ای دل

چنان حلمی و تمکینی چنان صبر خداوندی

که اندر صیر ایویش نتند بود یار ای دل (ص ۱۶۴، شمس تبریزی، محمد علی موحد)

آری، عشق مولانا به شمس در اشعارش کاملاً انعکاس پیدا کرده است و مثل آینه‌ای است که شمس را در آنها می‌بینیم.

شرح غزل:

اگر این غزل را همزمان با برگشت شمس به قونیه در نظر بگیریم، می‌توانیم بگوییم که این غزل برای کسی گفته شده که ادعای پاک دامن بودن داشته است؛ پس او زاهدی خودبین بوده است و یا صوفی ای که به تعبیر حافظ خرقه اش به می‌آلوه است. این شخص با ورود شمس تغییر و تحولات مولانا را می‌بیند و در مقام اعتراض و آزار بر می‌آید و استحالات مولانا را نمی‌پذیرد؛ پس مولانا در مقام نصیحت یا تذکار بر می‌آید. با توجه به توضیحاتی که در مقدمه از شمس گفتیم و اینکه در این غزل اشاره ای از خورشید و ماه هم شده است. پس، به نظر می‌رسد مولانا در این غزل از زبان سمبولیک برای بیان حقایق عرفانی استفاده کرده است. شمس را انسان کامل (شفیعی کدکنی) و یا در اصطلاحات عرفانی تعبیری از روح پاک می‌گیریم که به خورشید و ماه موصوف شده است.

پس با این پیش زمینه‌ها به سراغ شرح غزل می‌رویم.

ای خواجه نمی‌بینی این خوش قد و قامت را!

ای خواجه نمی‌بینی این روز قیامت را!

شرح:

ای خواجه، ای سرور آیا معشوق و یار و مقصود را نمی‌بینی و درک نمی‌کنی؟

ای آنقدر دیده بصیرت داری که معبود و مقصود را درک کنی؟

من بر سر دیوارم از بهر علامت را

دیوار و در خانه شوریده و دیوانه

شرح:

حتی دیوار و در خانه هم دچار شیفتگی و جنون شده است؛ چون او را دیده است و من چون علامتی و نشانه ای از این جنون هستم که شاید تو مرا ببینی و درک کنی (به نظر می‌رسد چون مولانا، مرید و ملایی بوده است که تا آن زمان برای همه قابل ستایش و پیروی بوده است خود را این گونه مثال می‌زند نسبت به همه شهر!) چگونه است که باز هم این علامت و نشانه را نمی‌بینی و دیده باطنی خویش را پاک نمی‌کنی؟

ماهی است که در گردش لاغر نشود هرگز

خورشید جمال او بدریده ظلامت را

شرح:

معشوق و معیوب ما مانند ماهی است که در گردش ایام لاغر نمی‌شود و قرص ماهیش هالی نمی‌گردد. برخلاف ماهی است که در گردش ایام هالی می‌شود. (او همیشه تمام و کمال است و در پاک بودن و کامل بودنش نقصی پدیدار نمی‌شود)

^۱ - (ص ۱۶۴، شمس تبریزی، محمد علی موحد)

چهره او که به مانند خورشیدی است تاریکی و ظلمت را از بین برده (او روح و انسان کاملی است که حضورش جهل و تاریکی را از هم دریده و پاره کرده و سبب آگاهی و درک و بینایی ما شده است)

تبییر مولانا از شمس به ماه و خورشید یادآور این غزل اوست که به هنگام بازگشت شمس به قونیه گفته است: شمس و قمرم آمد، سمع و بصرم آمد وان سیمبرم آمد وان کان زرم آمد

شمس در خارج اگر چه هست فرد مثل او هم می‌توان تصویر کرد (مولوی)

آنکه منظور دیده و دل ماست

نتوان گفت شمس یا قمر است (سعدی)

ای خواجه خوش دامن دیوانه تویی یا من در گش قدمی با من بگذار ملامت را

شرح:

مولانا در این بیت از طنز زیبایی استفاده کرده است. دکتر شفیعی کدکنی در مقاله ای به نام طنز حافظه می‌گوید که طنز، تصویر هنری از اجتماع نقیضین و خصین است. به نظر می‌رسد به گفته ایشان در این غزل هم مولانا از این طنز نهایت استفاده را در کمال زیرکی برده است. که یادآور این بین از غزل حافظ است:

عییم پیوش زنهار، ای خرقه می‌الود کان پاک پاکدامن پهپ زیارت آمد

به خواجه می‌گوید که: ای آقای پاک دامن دیوانه و مجnoon تو هستی یا من؟ (که در واقع او را دیوانه می‌داند که در بی معشوق واقعی روان نشده است) کاسه ای شراب با من بنوش و دست از سرزنش بردار.

با توجه به زیرکی استفاده مولانا از این طنز، به نظر می‌رسد قصد مولانا شراب انگوری نبوده است. شراب عشق حقیقی است که مولانا از او دعوت می‌کند که آن را بنوشد... شرابی است که خواجه بتواند بوسیله آن درکی و بصیرتی واقعی از آن خورشید و انسان کامل پیدا کند و روشنایی واقعی را ببیند و حائل و حجابی که (بیت بعدی تاییدی است بر این بیت) مانع از دیدن اوست را از میان بردارد. و با مستی ای که از آن عایدیت می‌شود به راستی واقعی خواهی رسید.

دمادم در کش ای سعدی شراب وصل و دم در گش

که با مستان مقلس درنگیرد زهد و پرهیزت (سعدی)

پیش از تو بسی شسیداً می‌جست کرامتها

چون دید رخ ساقی بفروخت کرامت را

شرح:

خلیل از شیفتگان و عاشقان بدنبال اموری که از بزرگیشان عاید می‌شود و دیگران از انجام آن عاجز هستند. اما چون به دیوار و لقای پیر و مرشد کامل نائل شدند دست از جستجوی خویش برداشتند. همان پیری که سبب شد تا آنها به کشف رموز و درک حقایق برسند. و با دادن شراب عشق و محبت الهی به عاشقان آنها را به مقام محبویت و فنا رساند.

اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد

من و ساقی بهم سازیم و بنیادش براندازم (حافظ)

ساقی طریف و باده لطیف و زمان شریف

مجلس چو چرخ روشن و دلدار مهوش است (مولوی)

و در آخر، مولانا در این غزل با پرسش خویش به خواجه می‌گوید که تو چگونه این همه روشنایی را نمی‌بینی؟ چگونه است که عاشق مقابله توست و تو هنوز در بی او؟ در واقع او مطمئن است که خواجه نمی‌بیند. پس از او می‌خواهد که وارد گود شود و با او همقدم شود؛ شاید که حائل از میان رفت و او توانست بعد از شنیدن حقایق عرفانی به بصیرت و درک حقیقی برسد.

او جایگاه خواجه را مشخص می‌کند، نشانه‌ها می‌آورد جهت شناختن او. به طنز به او می‌گوید: حالا چه واقعاً دیوانه و مجnoon است و بعد از او می‌خواهد که بدنبال حقیقت از این راه آغاز کند و سالک شود. و البته می‌داند که او هیچ گاه سالک این راه نمی‌شود!

منابع:

- گزیده غزلیات شمس، مولانا جلال الدین محمد بلخی به کوشش محمد رضا شفیعی کدکنی

- شمس تبریزی، محمد علی موحد

- کلیات سبک شناسی، دکتر سیروس شمیسا

- سبک شناسی شعر، دکتر سیروس شمیسا

- زمینه اجتماعی شعر فارسی، دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی

- در جستجوی حافظ، ذوالنور

- فرهنگ دهخدا(سی دی)



دو غزل معاصر

من کویری خشکم اما ساحلی بارانیم
ظاهری آرام دارد باطن طوفانیم

مثل شمشیر از هراسم دست و پا گم می کند
خود ولی در دستهای دیگران زندانیم

بس که دنبال تو گشتم شهرهای عالم شدم
سرپلندم کرده خوشبختانه سرگردانیم

می زند لبخند بر چشممان اشک آلود شمع
هر که باشد باخبر از گریه ی پنهانیم

هیچ دانایی فریب چشمها یات را نخورد
عقایت کاری به دستم می دهد نادانیم

شعر از سجاد سامانی^۲

مثل کشتی های در گرداب ... سرگردان تو
می کشی یا می کُشی ؟ اعراب، سرگردان تو

زخم من از تو ولی آرامش من هم ز تو
ای طبیب قلب من! اعصاب سرگردان تو

رو به سوی ماه و دستم سمت تو می رفت و من
بیشتر غرق شب پُرتاپ سرگردان تو

ماجرای تار گیسوها و چنگ من در آن
رقص موهای شب و مضراب، سرگردان تو

مثل مردی مست در مستی به دنبال تو آم
مثل زاهد گوشه ی محرب سرگردان تو

من نمی دانم چگونه باید از بحران گریخت
مثل کشتی های در گرداب سرگردان تو ...

شعر از سعید سکاکی^۱

معرفی کتاب «امثال و حکم» (نوشته علامه علی اکبر دهخدا)

زبان فارسی را میتوان یکی از غنی ترین زبان ها در زمینه ضرب المثلها، اصطلاحات، کنایات و...دانست. با توجه به وجود شاعران، نویسندها و چهره های فرهنگی متعدد در تاریخ ادبیات ایران، حضور اقوام گوناگون ایرانی و غیر ایرانی در کشور، مسائل تلح و شیرین ناشی از زندگی مردم در ادوار مختلف سخنانی شیرین در طول تاریخ بین مردم رواج یافته و سینه به سینه به نسل های بعدی منتقل شده است. این سخنان شیرین و دلشیز ضرب المثل و اصطلاح نامیده می شود. نویسندها زیادی در گذشته و حال سعی بر جمع اوری و انتشار این سخنان در کتابهای مختلف داشته اند و در این راه کتب فراوانی به چاپ رسیده است. اما کمتر کسی را می توان یافت که نام کتاب «امثال و حکم» نوشته مرحوم علامه علی اکبر دهخدا را نشنیده باشد. کتاب امثال و حکم شاهکار ادبی بزرگی به حساب می آید. این کتاب در ۴ جلد و بین سال های ۱۳۰۸-۱۳۱۱ هجری شمسی در تهران به چاپ رسیده و موجود می باشد. در این ۴ جلد تقریبا سی هزار عنوان «مثال»، «حکمی»، «تازبندی»، «اصطلاحی» و «کنایه ای»، «نژدیک به ده هزار مثل و حکمت و کنایه و اصطلاح که به عنوان نظریه ذیل مثال ها عنوان شده، به انضمام حدود دوازده هزار مورد استنادی به شعر شاعران یا نوشته نویسندها کان نوشته شده است. ساختار کتاب به این گونه می باشد که ابتدا ضرب المثل، اصطلاح یا کنایه به ترتیب حروف الفباء نوشته و به میزان لازم در مقابل آن به توضیح پرداخته شده است. این توضیح شامل معنی، شعر، حدیث یا داستانی است که ریشه و مفهوم عبارت مورد نظر را برای ما بازگو می کند. ویژگی خیره کننده این کتاب جامع بودن و دقیق بودن آن می باشد. در حین خواندن کتاب، می توان با عبارات گوناگون آشنا شد و در مقابل زحمات فراوان علامه بزرگ سر تعظیم و احترام فرود آورد.

مرحوم دهخدا برای کتاب امثال و حکم مقدمه ای نوشته است؛ زیرا وی نسبت به مقدمه کتاب هایش بسیار سواسن به خرج می داده و به گفته خود نتوانسته مطلبی به عنوان مقدمه در شان این کتاب بتواند. علامه علی جمع اوری لغات لغتنامه عظیم خود ایده قرار دادن ضرب المثلها و کنایات در داخل متن لغتنامه را نیز در سر داشت. مرحوم اعتماد الدوله فرهنگی وزیر معارف وقت، پیشنهاد گردآوری ضرب المثلها و... در کتابی جدا از لغتنامه را ارائه داد که مورد پذیرش علامه دهخدا قرار گرفت. اما با وجود جدایی هنوز در متن لغتنامه تعداد زیادی ضرب المثل دیده می شود. هزینه چاپ نخستین کتاب را وزارت معارف آن زمان تقبل کرده و مقرر کرده بود که به پاس خدمت بیست ساله مؤلف، از هریک از جلد های ۴ گانه آن که در هزار نسخه چاپ می شد هشتتصد نسخه به عنوان حق تالیف در اختیار علامه قرار دهد. اما از آنجا که دهخدا برای مزد کار نمی کرد ولی از سویی هم نمی خواست رد احسان اولیای با حسن نیت وزارت را کرده باشد چهارصد جلد از هشتتصد جلد را در اختیار وزارت بهداری قرار داد تا از پول فروش آن به مداوای بیماران بی بضاعت بپردازند و چهارصد جلد باقی را در اختیار وزارت معارف گذاشت تا از حاصل فروش آن کتاب های مفید چاپ شود.

امیدواریم که بتوانیم با مطالعه و حفظ این میراث گرانبهای گوشه ای از زحمات و نیات خیر این بزرگمرد دوراندیش را پاسخ دهیم.

^۱ - منبع: <http://www.rafta.com/showtext>

^۲ - منبع: <http://ayateghamzeh.persianblog.ir/post>



آشنایی با کاریکلماتور

«کاریکلماتور» نامی است که نخستین بار احمد شاملو، شاعر بزرگ و صاحب نام ایران بر نوشته‌های پرویز شاپور گذاشت. احمد شاملو کلمه‌ی «کاریکلماتور» را از ترکیب کلمات «کاریکاتور» و «کلمات» به وجود آورد. دلیل انتخاب این نام را شباهت نوشته‌های پرویز شاپور با کاریکاتور یک کاریکاتوریست در عالم نقاشی انجام می‌دهد عنوان کرد. در ۲۱ خردادماه سال ۱۳۴۶ برای اولین بار نوشته‌های پرویز شاپور که کاریکلماتور نام گرفته بودند در مجله خوش به سردبیری احمد شاملو منتشر شدند. در کشور ما نویسنده‌گان زیادی با خلاقیت خود دست به خلق جملاتی زیبا می‌زنند که همه آن‌ها به نوعی راه مرحوم شاپور را ادامه می‌دهند.

در واقع کاریکلماتور زبانی گویاست که شوخی می‌کند، طعمه می‌زند و اکثر اوقات واقعیت‌های تلخ و شیرین زندگی را با زبان طنز به تصویر می‌کشد. در نگاه اول ممکن است کاریکلماتور جمله‌ای کوتاه و خیلی ساده به نظر برسد ولی با تمام سادگی می‌تواند توجه شنونده یا خواننده اش را پس از مدتی تفکر و تأمل به پیام‌های جالب و تعجب برانگیزی جلب کند. خوانندگان و طرفداران کاریکلماتور انسان‌هایی آگاه و نکته‌بین هستند. آن‌ها تلخی طنز کاریکلماتور را که از مشکلات مختلف ناشی می‌شود به خوبی درک کرده و از خواندن آن بی‌نهایت لذت می‌برند. مرحوم پرویز شاپور همواره در کارهایش سعی داشته در کوتاه‌ترین جملات ممکن بیشترین حرف را بزنند. کاریکلماتورهای شاپور نمودار نثر طنزآمیز است که با سنجیدگی بسیار، نکته‌یا تفکر برانگیز، گاهی انتقادآمیز و حتی شاعرانه‌ای را در کمال ایجاز مطرح می‌کند و در عین حال لبخندی طنزآمیز بر لب می‌نشاند، و خواننده را در دنیایی از زیبایی و ابهام و سؤال و واقعیت‌های تلخ فرو می‌برد. به طور کلی ایجاز و مختصر و مفید بودن از شروط اصلی نگارش کاریکلماتور می‌باشد. شاید بتوان گفت اصلی ترین مولفه کاریکلماتور طنز است و وجود همین مولفه سبب گشته تا کاریکلماتور از جملات قصار و حکمت‌ها جدا گردد. مرحوم شاپور تا کنون چند مجموعه کاریکلماتور برای علاقه‌مندان چاپ شده که نام برخی از آن‌ها عبارت است از:

قلیم را با قلب میزان می‌کنم - با گردباد می‌رقسم - پایین آمدن درخت از گربه
در این قسمت تعدادی از کاریکلماتورهای شیرین پرویز شاپور و دیگر نویسنده‌گان را برای مطالعه شما عزیزان قرار می‌دهیم:
پرویز شاپور:

- بلبل مُرتاض روی خارِ گل نشسته بود.
- صاحبان چشمان عسلی نگاه‌های شیرینی دارند.
- زنبور عسل تمام طول عمرش را در ماه عسل می‌گذراند.
- گلبلوی‌های سفید خونم جسد میکروب را تا گورستان به دوش کشیدند.
- غرور سیل اجازه نمی‌دهد از زیر پل بگذرد.
- عمری بین درِ ورودی و درِ خروجی زندگی زندگی سرگردان بودم.
- خورشید به هنگام طلوع، سلامی به روشی روز می‌کند.

دیگر نویسنده‌گان:

- چند سالی است که گرفتار دانشگاه آزادم.
- آسانسور آنقدر آدم قورت داد که بالا آورد.
- پدر شکسته شد، مادر شکسته شد تا تکه‌های من جور شدند.
- آدم‌های چاق، آدم‌های باظرفیتی هستند.
- از روی پل عابر پیاده، عرض خیابان را به طول عمر خود اضافه می‌کنم.
- بیهار به ریاست جمهوری «دوگل» رای می‌دهد.
- سلطان سین اول سفره‌ی هفت سین ترافیک است.

دقایقی مصاحبت با استاد مجید موزون

مهمتاب فضولی، مهدی هفت برادران^۱



جناب آقای مجید موزون، متولد سال ۱۳۵۸، دارای مدرک کارشناسی زیست شناسی سلوی مولکولی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد فلاورجان (۷۸-۸۲) و کارشناسی ارشد ایران شناسی از دانشگاه شهید بهشتی (۸۵-۸۸). عضو هیأت علمی دانشگاه شیخ بهایی از سال ۱۳۹۰ و مدرس مدعو دانشگاه پیام نور اصفهان (واحد مرکزی) از سال ۱۳۸۹ تا کنون. دارای ۳ مقاله پژوهشی به زبان فارسی و ۱ مقاله پژوهشی به زبان انگلیسی.

❖ در دوران کودکی آرزو داشتید چه کاره شوید؟

از کودکی بگویم... دقیقاً یادم نمی‌آید که چه شغلی می‌خواستم انتخاب کنم... از پلیسی و یا خلبانی و در کل روحیه نظامی خوشم می‌آمد.

❖ آیا ارتباطی بین رویاهای دوران کودکی خود با شغل فعلیتان وجود دارد؟

نه! یادم نمی‌آید !!

❖ چه شد که تصمیم گرفتید استاد شوید؟

سوال خیلی خوبی است. من معتقدم برای حل و فصل بسیاری از مسائل اجتماعی، افراد باید از خود شروع کنند. بنابراین به دنبال شغلی آدمد تا بتوانم در هردو عرصه نظر و عمل این عقیده را در خود بپرورانم.

❖ وبعد از خدمت سربازی و فوق لیسانس چه کردید؟

بر سر همین کار آدمد

❖ آیا به بیشتر از استادی و موقعیت اجتماعی بالاتر فکر می‌کنید؟

البته، این مستله برای من قابل تصور بوده، هست، و خواهد بود. انشالله به دنبال فراهم کردن زمینه هایش هستم. که اگر فراهم بشود حتماً انجام بدhem، اینطور نیست که من به این بسته کنم .

❖ بهترین خاطره دوران دانشجویی؟

بهترین خاطرات دانشجویی من در زمان کارشناسی رقم خورد. بدین صورت که من در جمیع قرار گرفتم که به لحاظ علمی، ادبی و هنری در حد و اندازه عالی بود. طبیعتاً در این میان تأثیر و تأثیراتی در رفت و آمد بود که یاد و خاطره اش تلخ و شیرین است.

❖ چه ارتباطی بین زیست شناسی و ایران شناسی دیدید که گرایش شما از زیست شناسی به ایران شناسی تغییر کرد؟

تغییر گرایش از زیست شناسی به ایران شناسی به ایران شناسی به روایه و شخصیت من بر می‌گردد. چون من از دو راه به تأمین منابع اطلاعاتی می‌پردازم. یکی اطلاعاتی که می‌توان از علوم تجربی و به اصطلاح طبیعی گرفت و دوم اطلاعاتی که کمتر ریشه در علوم تجربی و طبیعی دارند و بیشتر در گستره علوم انسانی قابل طرح هستند. در دوره کارشناسی تلاشم به این سمت پیش رفت که تا اندازه‌هایی با نیروهای در کار و درگیر با طبیعت آشنا شوم. اما با وقفه‌ای که میان دوره کارشناسی با کارشناسی ارشد پیش آمد، متمایل به مطالعه و شناخت خصوصیات فرهنگ و تمدن ایران شدم. از این رو رشته ایران شناسی را انتخاب کردم.

❖ اگر امکان برگشت زمان را داشته باشیم و شما به قبل برگردید در مقطع کارشناسی همان رشته را انتخاب می‌کنید؟

جوایی که میدهم دو طرفه است. یک طرف این است که بلي همین کار را می‌کرم و یک طرف ماجرا این است که من به کسانی که مثل من می‌گویند (بلی) انقدر وارد میدانم، چون این افراد به تمام پنجه هایی که می‌توانسته به رویشان باز شود، نه می‌گویند. از کجا معلوم که اگر من یک راه دیگر میرفتم بهتر از این نمی‌شد؟ چون من این راه را رفتیم و به نتیجه رسیدم الان فکر می‌کنم که بهترین است. بد نیست از شوینه‌اور کمک بگیرم. او می‌گوید: اگر ما چیزی را می‌خواهیم برای آن نیست که دلیلی برای آن پیدا کرده ایم، بلکه چون آن را می‌خواهیم برای آن دلیل پیدا می‌کنیم !!

ولی از طرفی هم بی میل نیستم... چرا... شاید برگدم راه های دیگر را هم انتخاب کنم. خیلی مُصر نیستم که بگویم این انتخاب اول و آخرین من است. ذهن انسان به قدری باز است و انسان باید به ذهنش اهمیت دهد و هرگز نگوید که این است و تمام.

^۱- اعضای انجمن مدیریت جهانگردی



در غیر عجایب است بسیار ای دل (مولانا)

نومید مشو امید می دارای دل



❖

در رابطه با مقطع کارشناسی ارشد چطور؟

آن هم به همین ترتیب بود.

❖

حال اگر باز هم به عقب برگردید، بعد از کارشناسی به سربازی می روید و بعد ادامه تحصیل می دهید و...؟ ای کاش می شد!

به فرض محال اگر می شد، نه! مطمئناً سعی می کردم زودتر به موقعیت های کنونی که در حال حاضر رسیدم، برسم.

❖ خاطره انگیز ترین اتفاق دوره استادی؟

یکی از خاطره انگیز ترین اتفاقات ازدواجم است.

❖ به کجا دوست دارید سفر کنید؟

به هر کجای ایران. در حال حاضر استان کرمان و منطقه شهداد.

❖ اگر به جز حق تمتع تنها یک بار فرصت سفر را داشته باشید کجا را انتخاب می کنید؟

چون تجربه مسافرت خارج از کشور را ندارم و از طرفی به زیبایی های ایران تا اندازه ای آشنا هستم، طبیعتاً در داخل کشور به دنبال مقصد می رفتم.

❖ سوالات یک کلمه ای (روشن تداعی)

تاریخ = داستن و تجربه نکردن

بیوشیمی = حیات آلی عالی

گفت و گوی تمدن ها = زمان و مکان دارد

بازدید فرهنگی = چه خوب بود که بیشتر می شد

شهر سوخته = آزمایشگاهی در دل کویر

تکنولوژی = پارینه سنگی، میان سنگی، نو سنگی

استاد خسته نباشید = خدا قوت

اردوی تغیری = تعامل و گفتگو

اصفهان = نقش جهان

آرزوی شما = همه به آرزوهای خوبشان برسند و هر کس آرزویی دارد و فکر می کند که دست یافتنی نیست به آن برسد.

❖ شما در خانواده چند نفری بزرگ شدید؟

با پدر و مادر ۶ نفر

❖ چند خواهر و برادرید؟

چهار برادر هستیم

❖ به نظر خودتان در خانواده از لحاظ موقعیت شغلی در جایگاهی که باید باشید، هستید؟

بله، من در جایگاه خودم هستم.

❖ در خانواده بیشتر از همه شما به تحصیل اهمیت داده اید؟

بله

❖ بهترین فصل سال؟

بهار - من متولد بهارم - فروردین

در بهار چون زمین یک دوره سخت را پشت سر می گذارد و دوباره به حیات باز میگردد خیلی زیباست.

❖ خاطره انگیز ترین سفر شما؟

برای اولین بار سفر به شهر سوخته در تاریخ ۲۰ اسفند ۱۳۸۲

❖ سربازی لذت بخش است؟

برای من فوق العاده است بستگی به دید و انگیزه انسان دارد. اگر انگیزه را داشته باشی میتوانی از تاریک ترین دوران، دوره‌ی روشنی بسازی و بالمکس. من فکر می کنم این کار را کردم و دوره روشنی ساختم.

❖ حرف خاصی برای دانشجویان که این مصاحبه را می خوانند دارید؟

من به دانشجویان توصیه میکنم که اگر علاقه مند به ادامه تحصیل در رشته‌ی جهانگردی هستند تعاملات بیشتری با یکدیگر داشته باشند، فارق از پیش پنداشتها و نیت‌هایی که هر کس در اول کار نسبت به دیگری دارد اینها را کنار بگذارند. نسبت به آینده امیدوار باشند. در ارتباط با کارهای شخصی تلاش و پیگیری خوبی داشته باشند. من بیشتر دارم پیگیر امید باشم بین بچه‌ها.

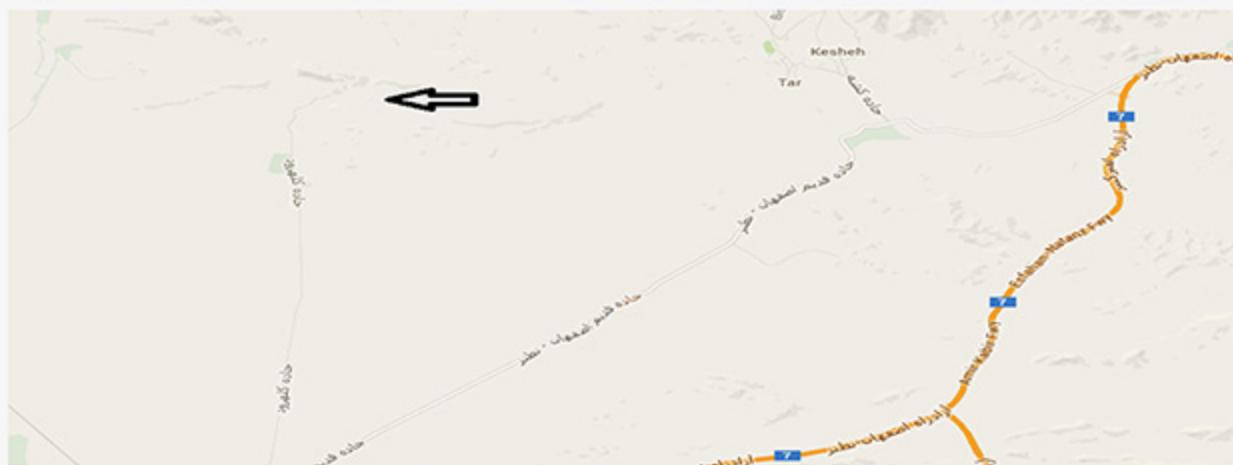
❖ سخن پایانی:

من به انسان و به ذهن او اهمیت می دهم، هرچه خواستنی باشد، دست یافتنی است، به شرط آنکه اراده و میلی نیرومند بوجود آید.

حورا عسگریان فرد^۱

به نام یکتا آفرینندهٔ طبیعت زیبا

به لطف و عنایت پروردگار یکتا و با همکاری انجمن علمی گردشگری در ۲۵ مهرماه ۹۲ سفری علمی گردشگری به روستای کلهرود برگزار شد.
خدمات تور: اتوبوس در بستی، بیمه، راهنمای محلی، پذیرایی بین راه، صبحانه و ناهار
همراهان تور: جناب آقای موزون، تعدادی از اعضای انجمن علمی جهانگردی



گزارش سفر به کلهرود:



۳۲

در صبح روز پنج شنبه ۲۵ مهرماه ۹۲ اتوبوس دربستی داشتگاه در ساعت ۶ صبح در ایستگاه اول رویه روی درب مجموعه ۱ داشتگاه در شهر بهارستان توقف کرده و پس از سوار نمودن عده‌ای از دانشجویان به سمت ایستگاه شماره ۲ در اصفهان رویه روی نان فانتزی دانشجو در خیابان هزار جریب حرکت کرد. و پس از سوار نمودن دانشجویان در ساعت ۶:۳۰ به سمت کلهرود حرکت کرد.
پس از پیمودن نیمی از مسیر، دیر انجمن علمی، جناب آقای هفت برادران، در مورد چگونگی سفرهای طبیعت گردی و اقداماتی که یک راهنمای تور باید انجام بدهد توضیحاتی برای دانشجویان دادند.

در ساعت ۸ صبح به روستای زیبا و پاییزی کلهرود رسیدیم و

برای صرف صبحانه به رستوران ستی واقع در این روستا که فضا و نمای بسیار زیبا و دل چسبی داشت رفیم. پس از اندکی استراحت به همراه راهنمای تور محلی به سمت غار کلهرود حرکت کردیم و از کوچه‌های زیبای روستایی عبور کرده و پس از دیدن مناظر پاییزی روستا به پای کوه رسیدیم، چند دقیقه‌ای در آنجا استراحت نموده و پس از آن به صورت زنجیر وار، پشت سرهم از کوه بالا رفته تا اینکه به غار آهکی درون کوههای خفته رسیدیم. و راهنمای محلی در مورد غار توضیحاتی برای دانشجویان دادند.
پس از تماشای غار برای استراحت، نماز و صرف ناهار به رستوران ستی باز گشیم. و در ساعت ۴ بعد از ظهر به سمت اصفهان حرکت کردیم.



^۱ - عضو انجمن علمی گروه مدیریت جهانگردی



موزه داری نوین

از مفاهیم تا کاربردها

رسول محمدعلی پور، دکتر اصغر حیدری، مصطفی حاجی امینی

معرفی کتاب:

ناشر کیان دانش با

همکاری انتشارات

گردشگری (وابسته به علم گردشگری)

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۲

موزه داری نوین

از مفاهیم تا کاربردها

رسول محمدعلی پور
دکتر اصغر حیدری
مصطفی حاجی امینی

کتاب حاضر حاصل مطالعات و نیز مشاهدات نگارندگان در میان آثار فارسی و لاتین و نیز برخی بررسی های میدانی بوده است که در ۷ فصل پیش روی قرار گرفته است. فصل اول مقدمه ای است بر مفهوم موزه و ارتباط دو سویه آن با گردشگری و میراث و به بیان تاریخچه موزه داری پرداخته است. فصل دوم اصول و مفاهیم مجموعه داری را تشریح نموده و در فصول سوم و چهارم نگهداری مجموعه ها و نحوه نمایش آن مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل پنجم برنامه ریزی امور موزه و مدیریت مالی مدنظر قرار گرفته و در فصل ششم مدیریت منابع انسانی مورد توجه بوده است. در نهایت فصل هفتم کتاب، بازاریابی و روابط عمومی موزه ها را به عنوان نقطه تماس با بازدیدکنندگان تشریح نموده است. (قیمت: ۹۵۰۰ تومان)

ناشر: دفتر پژوهش های فرهنگی

بازاریابی الکترونیک در صنعت گردشگری

از مفاهیم تا کاربردها

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۱

در این کتاب می خوانید: فصل رسول محمد علی پور، مصطفی حاجی امینی

اول: از تولد سایبر تا دولت الکترونیک، فصل دوم: تجارت و بازاریابی الکترونیک گردشگری، فصل سوم: ارزیابی ویگاه های گردشگری، فصل چهارم: ابعاد بصری گردشگری الکترونیک، فصل پنجم: رویکرد اطلاع رسانی و تعاملی در گردشگری الکترونیک، فصل ششم: مدیریت ارتباط الکترونیک با مشتری در صنعت گردشگری. (قیمت: ۴۶۰۰ تومان)

بازاریابی الکترونیک

در صنعت گردشگری

از مفاهیم تا کاربردها

رسول محمدعلی پور
مصطفی حاجی امینی

گردشگری حامی فقرا

تألیف: منوچهر جهانیان و ابتهال زندی

ناشر: جهاد دانشگاهی واحد مرکز گردشگری علمی - فرهنگی

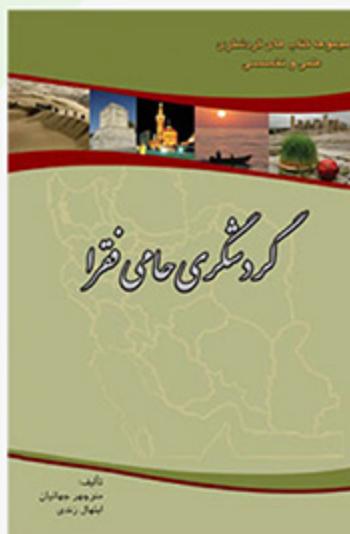
نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۹

در این کتاب می خوانید:

کتاب گردشگری حامی فقرا از سری مجموعه کتاب های تخصصی انواع گردشگری سعی نموده تا موضوعات و ابعاد اثرات گردشگری بر پدیده فقر و جوامع محلی را مورد بررسی قرار دهد تا از این طریق متولیان امر، فعالیت های گردشگری و درآمد های حاصل از آن را در جهت توسعه پایدار این مناطق و ایجاد شرایط مناسب زندگی را برای آنها فراهم نمایند. (قیمت: ۱۵۰۰ تومان)

رسول محمدعلی پور
مصطفی حاجی امینی

گردشگری حامی فقرا

ناشر:
رسول محمدعلی پور
مصطفی حاجی امینی

پریا انصار و امیر مغزیان^۱

آشنایی با مقاله «بازمهندسی در نظام تنظیم بازار»

مولف: بهنام میرزایی (مدرس دانشگاه و عضو اتاق فکر سازمان صنعت، معدن و تجارت استان تهران)

موضوع: مدیریت بازار گانی

سال انتشار(میلادی): ۲۰۱۲

منبع: ارسال شده توسط عضو پایگاه مقالات علمی مدیریت www.system.parsiblog.comتپهه و تنظیم: پایگاه مقالات علمی مدیریت www.SYSTEM.parsiblog.com

چکیده: بازار محل پاسخگویی به نیازهای فیزیولوژیک افراد است و مشکل از خریداران بالقوه و بالفعل محصول می‌باشد. تنظیم بازار به عنوان یکی از مهمترین مستلزمات های وزارت بازرگانی بوده و تفسیر آن ایجاد رابطه منطقی بین تولید، مصرف، واردات و در واقع سیاستی جهت حمایت از جریان سازوکار اقتصادی است و عده ای از کارشناسان آن را نوعی هنر مدیریتی می‌دانند. تنظیم بازار با هدف دسترسی به اهداف ذیل صورت می‌گیرد: ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا و جلوگیری از افزایش قیمت و تورم؛ افزایش رضایتمندی مصرف کننده و در نهایت رضایتمندی فرایندهای مشتری (TCM)؛ کاهش میزان آسیب پذیری بازار داخلی از نوسان قیمت های جهانی؛ کسب اعتماد هر چه بیشتر جامعه به دستگاههای اجرایی و نظارتی. نیازهای متغیر مصرف کنندگان، وجود نوسانات در قدرت خرید مشتریان نحوه بهره گیری از نظایمهای توزیع کالا توسط تولید کنندگان در بازارها ممکن آن است که برای ایجاد نظم و پایداری در بازار باید یک برنامه ریزی استراتژیک و هدفمند صورت پذیرد. ما در اینجا در مورد بازارهای غیر سیستماتیک (قابل کنترل) بحث خواهیم کرد. مولفه های عرضه و تقاضا در دو سوی بازار قرار گرفته‌اند که از محل تلاقی این دو نمودار، نقطه تعادل با قیمت تعادلی حاصل می‌شود. برای مثال در سمت عرضه، عواملی همچون مواد اولیه، دستمزد و تکنولوژی تولید و در سمت تقاضا نیز عواملی نظیر قدرت خرید و تغییر ذاتی، نمودار عرضه و تقاضا را تعیین کرده و بدین ترتیب قیمت تعادلی را رقم می‌زنند. استراتژیستهای تنظیم بازار در ابتدا کار می‌بایست با یک برنامه ریزی اصولی کل تقاضای بازار برای کالاهای مورد نظر را با توجه به میزان جمعیت و حالات مصرف تخمین بزنند که البته کار دشواری به نظر نمی‌رسد. زیرا مصرف کنندگان غالباً در مورد کالاهای اساسی تقاضای گزینشی ندارند که در این فرآیند عموماً از روش رگرسیون با تجزیه و تحلیل آمار جمعیتی استفاده می‌گردد.

فعالان اقتصادی در فرآیند تنظیم بازار همواره با مشکلاتی روبرو می‌باشند.

موانع قانونی: شامل ممنوعیت اخذ عوارض برای صادرات کالاهای غیر نقی و خدمات در بعضی برنامه‌های قانونی و یا وارداتی که خروج ارز کشور را به دنبال دارد تعدد مراجع قیمت گذاری و عدم هماهنگی بین آنها عدم برخورداری از قانون رقابت مدنی در جهت مقابله کارآمدتر با هرگونه اقدام ضد رقابتی (دامپینگ) از سوی تولید کنندگان و عرضه کنندگان در بازار گاهای ورود محصولات خارجی بی کیفیت که موجب ایجاد حساسیت و افزایش کشش و تقاضا و در نهایت افزایش قیمت محصولات داخلی می‌گردد.

البته در اغلب موارد تنظیم بازار برای کالاهای اساسی انجام می‌شود و این تمکن به نحوی به برنامه‌ریزان کمک خواهد کرد. در واقع در تمام بازارها، همیشه وقوع بحران متحمل است. بنابر این دولتی موفق تر خواهد بود و می‌تواند آثار بروز بحران را برای قشر تولید کننده و مصرف کننده به حداقل بررساند که قابلیت مدیریت بحران را داشته باشد.

این امر میسر نمی‌شود مگر آنکه توانایی رصد کردن متغیرهای اثرگذار و پیش بینی رفتار آن‌ها را داشته باشد تا بتوان در نهایت به ایجاد ثبات و تعادل در بازار و ایجاد اقتصادی رفاهی و نهادی دست یافت.

به منظور پیشگویی بحرانهای بازار کالای داخل کشور پایگاه اطلاعات تنظیم بازار (CMRD) ایجاد شده که برآورد میزان تولیدات و محصولات واحدهای تحت پوشش در سطح استان و امکان صادرات آن و همچنین اقدامات حمایتی و بحث کالاهای استراتژیک در آن مطرح می‌شود. ایزار و سیاستهای حمایتی در علم مدیریت بازرگانی، برای همگان شناخته شده است ولی مهم آنست که چگونه بتوان آنها را مدیریت و بکارگیری نمود. پرداخت یارانه، خرید تضمینی تعرفی، ذخیره سازی، قیمت تضمینی و ... از جمله اقداماتی است که دولت در شرایط بروز بحران باید اتخاذ کند. در این راستا به منظور کشف نقاط بحرانی یک بازار و پیش بینی رفتار آن باید به سیاستگذاران کمک نموده تا عوامل ایجاد کننده بی ثباتی در بازار را تشخیص و رفتار آنان را پیش بینی کنند.

از دیگر مشکلات پیش رو تنظیم بازار فعالیت واسطه های غیر متعهد در این حوزه بوده که در انتظار عموم از آنها به عنوان چالشگر باد می‌کنند. در اقتصاد دولتی عامه مردم نسبت به واسطه ها نگرشی منفی دارند و آنان را محل تنظیم بازار و عامل اصلی احتکار، گرانی و افزایش قیمت برای



صرف کننده می‌دانند. به عقیده نگارنده نظریه مذکور جامعیت ندارد چراکه بسیاری اوقات واسطه‌ها موجب توزیع بینه کالا از منظر زمانی و مکانی خواهند شد و ارزش خدمت انجام شده برای مصرف کننده بالاتر از بهایی است که برای کالا پرداخت می‌کند. شایسته است در نظامهای با اقتصاد متصرکز (دولتی) واسطه‌ها ساماندهی شده، نظارت دقیق بر عملکرد و رعایت درصد سود مجاز انجام شود و از سوی دیگر تولید کنندگان ملزم به درج قیمت مصرف کننده روی کالا شوند که با رعایت اصول مذکور قطعاً از سوء استفاده‌های احتمالی جلوگیری بعمل خواهد آمد. یکی از خطراتی که از سوی واسطه‌ها مطرح گردیده موضوع احتکار است. از نظر قوانین حقوقی ایران احتکار همواره تهدیدی برای تنظیم بازار محسوب می‌گردد در صورتیکه در علم اقتصاد احتکار امری مثبت و پذیرفته تلقی می‌گردد. زیرا محظک در شرایطی که مازاد تولید وجود دارد با خرید محصول به تولید کننده کمک می‌کند و زمانی که کمبود کالا در بازار احساس می‌شود با تزریق کالا به بازار به مصرف کنندگان خدمت می‌کند.

بنابر این چنانچه دولت فرآیند ذخیره سازی را به عهده بگیرد امری مثبت است چرا که منفعت عمومی برای مردم دارد و اگر مقرر گردد بخش خصوصی در این مقوله ایفای نقش کند می‌باشی که شیوه ای قانونمند و همیار دولت حرکت نموده و دولت را قویا ناظر بر فعالیتهای خود بداند و بدینوسیله از موج سواری افراد سودجو جلوگیری نمایند. بدنبال این موضوع در ذخیره سازی و اثبات کردن کالا می‌باشی ابتدا بسترهای لازم در حوزه تجارت الکترونیک و همچنین آموزشگاهی کافی در طرح کدینگ کالا انجام گردد. از دیگر سیاستهایی که دولت در موقع بحران کالا می‌تواند بکار گیرد انجام تبلیغات و بازاریابی وارونه در کنترل حساسیتهای روانی مصرف کنندگان است که این استراتژی در مورد کالاهای برکشش نظری نان و بنزین کارا تر است. امروزه مبحث واردات از جمله موضوعات داغ در جلسات تنظیم بازار است و واردات نقش چاقوی دولبه را در تنظیم بازار ایفا می‌کند. موقع کمبود کالا در بازار داخل واردات حلال مشکل است (ضمون در نظر داشتن خطرات دامپینگ) ولی در هنگام تعادل و یا مازاد عرضه، تهدیدی برای بازار داخل بشمار می‌آید. البته در چنین موقعی باید از خطای هالهای پرهیز نمود. بسیاری اوقات سیاست واردات ایجاد می‌کند بعضی کالاهای را قربانی کالاهای خاصی نماییم که از کشور و بصورت پایه‌ای صادر می‌گردد و چه بسا منفعت فزاینده‌ای برای اقتصاد ما حاصل نماید. بنابر این شایسته است فعالان تنظیم بازار با علم به موضوع مذکور تصمیم‌گیری نموده و از همواره از سطحی نگری پرهیز نمایند. خوشبختانه شاهد هستیم وزارت بازرگانی با نگرشی مثبت و پویا فعالان اقتصادی را به ایجاد فروشگاههای زنجیره ای خرده فروشی تشویق نموده و حمایت می‌نماید. محصول تاسیس چنین فروشگاههایی دسترسی مصرف کننده به کالا در حداقل زمان و هزینه خواهد بود.

راهکارهای پیشنهادی جهت بهبود و اثر بخشی تنظیم بازار

تکیه بر ایجاد ذخیره استراتژیک کالای اساسی که در موقع به هم خوردن تعادل بین عرضه و تقاضا به سرعت در بازار تزریق نمود تا در کمترین زمان ممکن بازار را به اعتدال برساند. این کار مستلزم ایجاد و طراحی یک جدول نوسانات بازار و میزان ذخیره کالاهای استراتژیک می‌باشد. برخوردهای تعزیراتی و قاطع با مخلفان واحدهای صنفی و غیر صنفی، از سیاست‌های مهم در تنظیم بازار است.

ترویج فرهنگ مصرف در جامعه

تمرکز زدایی از سیاست گذاری تنظیم بازار که با تشکیل شوراهای کنترل و نظارت برای رفع مشکلات و اقدام به عمل براساس ذخایر کالاهای اساسی که در اختیار هر استان قرار گرفته که نقش موثری در جلوگیری از وقوع و توسعه بحران در سطح استان می‌شود. تمهیدات صحیح در رابطه با کنترل واردات و صادرات با توجه به تبعات و آثار آنی ناشی از آن ضمن شفاف سازی هر چهت بیشتر در حوزه واردات چهت آگاهی تولید کنندگان داخلی برآورد تولیدات عده هر استان بر حسب واحد آمارگیری و ارانه به مراجع تصمیم‌گیر چهت تحلیل و توزیع مناسب محصول در سطح کشور هماهنگی و ارتباط آنلاین با مراکز عده تهیه و تولید کالا و هماهنگی با نظام توزیع و عرضه کالا و بهره مندی از سیستم (JUST IN TIME) تغییر رویکرد از مقابله با بحران به پیش بینی بحران و جلوگیری از ایجاد آن با برگزاری مستمر و منظم جلسات هفتگی تنظیم بازار چهت تجزیه و تحلیل گزارشات واصله در شهرستانها و استفاده از نتایج در جلسات استانی الزام بازرسان واحدهای صنفی و غیر صنفی به ارائه گزارشات ماهانه از وضعیت فزونی و یا کاهش کالاهای در محدوده مورد بازرگانی و تحلیل و ارزیابی آنها

ایجاد یک پایگاه اطلاعات تنظیم بازار ویژه هر استان

نظارت و کنترل میزان موجودی و ماندگاری کالاهای موجود در سردهانه‌ها و اثباتهای عده کالا اعم از خصوصی و دولتی از طریق تهیه کارت شناسایی (بهره گیری از ایران کد) برای انواع کالاهای موجود ایجاد کیوسک‌های بازرگانی و نظارت نسبت به مقیاس‌های مکانی منابع و مأخذ:

- ۱- اقتصاد خرد دکتر محسن نظری
- ۲- استراتژی بازاریابی فیلیپ کاتلر (متجم معلی عیاری)
- ۳- مدیریت بازاریابی گری آمسترانگ (ترجمه بهمن فروزنده)

چند حکایت در باب مدیریت

➤ حکایت روزنامه نگار، خلاق و مرد نایبنا

روزی مرد کوری روی پله‌های ساختمانی نشسته بود و کلاه و تابلویی را در کنار پایش قرار داده بود. روی تابلو خوانده می‌شد: "من کور هستم لطفا کمک کنید".

روزنامه‌نگار خلاقی از کنار او می‌گذشت. نگاهی به او انداخت. فقط چند سکه در داخل کلاه بود. او چند سکه داخل کلاه انداخت و بدون اینکه از مرد کوک اخوازه بگیرد تابلوی، او را برداشت. آن را بگرداند و اعلان دیگری، دوی، آن نوشته و تابله را کنار بای، او گذاشت و آنجا را ترک کرد.

عصر آن روز، روزنامه‌نگار به آن محل برگشت و متوجه شد که کلاه مرد کور پر از سکه و اسکناس شده است. مرد کور از صدای قدمهای او، خبرنگار را شناخت. از او پرسید که بروی، تابلوی چه نوشته است؟

روزنامه نگار جواب داد: "چیز خاص و مهمی نبود، من فقط نوشته شما را به شکل دیگری نوشتیم" و لبخندی زد و به راه خود ادامه داد. مدد کو، هیچ وقت ندانست که او جه نوشته است ول، دو، تابله خوانده می شد: "اموز بیار است ول، من نمی توانم آن را بشم".

نستخه گیزی: وقتی کار توان را نمی‌توانند بیشتر، باید استراتژی خود را تغییر بدهد.

خواهد دید بیشترینها ممکن خواهد شد. باور داشته باشید تغییر بیشترین چیز برای زندگی، است.

حتی برای کوچکترین اعمالتان از دل، فکر، هوش و روحتان مایه پگذارید.

داستان مدیریتی کارمند خلاق

ساختمان کتابخانه انگلستان قدیمی بود و تعمیر آن نیز فایده‌ای نداشت. قرار بر این شد کتابخانه جدیدی ساخته شود. اما وقتی ساخت بنا به پایان رسید، کارمندان کتابخانه برای انتقال، میلیون‌ها جلد کتاب دagar مشکلات دیگر شدند.

یک شرکت انتقال اثاثیه از دفتر کتابخانه خواست که برای این کار سه میلیون و پانصد هزار پوند بپردازد تا این کار را انجام دهد. اما به دلیل فقدان سرمایه کافی، این درخواست از سوی کتابخانه رد شد. فصل بارانی شدن فرا رسید. اگر کتابها بزوید منتقل نمی‌شد خسارات سنگین فرهنگی و مادی متوجه کتابخانه می‌گردید. ریس کتابخانه بیشتر نگران شد و بیمار گردید روزی کارمند جوانی از دفتر ریس کتابخانه عبور کرد. با دیدن صورت سفید و رنگ پریده ریس، بسیار تعجب کرد و از او پرسید که چرا اینقدر ناراحت است. ریس کتابخانه مشکل کتابخانه را برای کارمند جوان تشریح کرد، اما برخلاف توقع وی جوان پاسخ داد: سعی می‌کنم مساله را حل کنم. روز دیگر در همه شبکه‌های تلویزیونی و روزنامه‌ها آگهی منتشر شد به این مضمون: همه شهروندان می‌توانند به روایان و بدون محدودیت کتابهای کتابخانه انگلستان را امانت بگیرند و بعد از بازگرداندن آن را به نشان: ز تجمعاً دهنند.

نتیجه ای که از این حکایت می توان گرفت چیست ؟؟؟

- هنگام مواجهه با مشکلات چه میزان از نظرات دیگران استفاده می نماییم.

- چه میزان از مشکلات ما می‌تواند تسلط افکار و پیش‌فرض‌های ثابت ما باشد.

نقاش خلاق >

پادشاهی بود که فقط یک چشم و یک پا داشت.

پادشاه به تمام نقاشان قلمرو خود دستور داد تا یک پرتره زیبا از او نقاشی کنند. اما هیچکدام نتوانستند؛ آنان چگونه می‌توانستند با وجود نقص در یک جسم و یک بار، **پادشاه**، نقاش، زیبایی، از او بکشند.

سرواجام یکی از نقاشان گفت که می‌تواند این کار را انجام دهد و یک تصویر کلاسیک از پادشاه نقاشی کرد. نقاشی او فوق العاده بود و همه را غافلگیر کرد. او شاه، اد، جالته، نقاش، کرد که یک شکار، امود، هدف، قرار، داده بود نشانه‌گی، با یک حشیه سسته و یک بای، خم شده.

چرا ما نتوانیم؟؟؟؟؟

نیزه: بنها نکت ضعف و برجسته ساختن نقاط قوت آنان



رایانه‌های کوانتومی (Quantum Computers)

محمد رضا عبدالیان^۱

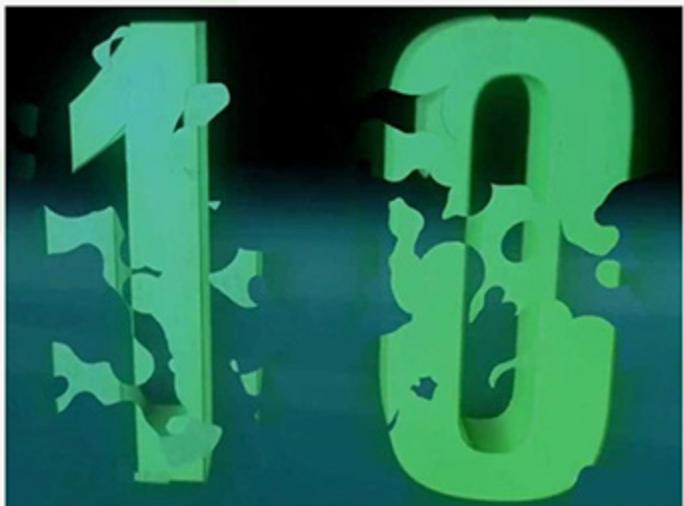
می‌دانیم رایانه‌هایی که ما در حال حاضر استفاده می‌کنیم از میلیون‌ها ترانزیستور و قطعات الکترونیکی بهره می‌برند و روز به روز این قطعات در حال کوچکتر شدن و بالا رفتن ظرفیتند ولی تا کجا می‌توان این قطعات را کوچک کرد و ظرفیت را افزایش داد؟ کامپیوتراهای امروزی بالاخره روزی با محدودیت‌هایی مواجه می‌شوند. اینجاست که بحث کامپیوتراهای کوانتومی به میان می‌آید. سرعت فوق العاده پیشرفت، ساختار شگفت‌انگیز، پردازش فوق العاده و... در کامپیوتراهای معمولی قوانین فیزیک کلاسیک حاکم است، بیت‌های اطلاعات، خیلی ساده تعریف می‌شوند؛ سوابق‌های الکتریکی می‌توانند روشی یا خاموش باشند، اشیا می‌توانند اینجا باشند، می‌توانند هم نباشند. ولی کامپیوتراهای کوانتومی با طبیعت دودویی‌های فیزیک کلاسیک محدود نمی‌شوند. کامپیوتر کوانتومی دستگاهی است که یک پدیده‌ی فیزیکی را بر اساس قوانین فیزیک کوانتومی به صورت منحصر به فردی در می‌آورد تا به صورت اساسی یک حالت جدیداز پردازش اطلاعات را تشخیص دهد.

تا کنون حجم عظیم قدرت پردازش کامپیوتراها و ابر کامپیوتراهای ساخته شده توسط سازندگان توانسته است تا از نیاز و عطش ما به سرعت و قدرت پردازش بکاهد. در سال ۱۹۴۷ "هوارد آیکن" مهندس کامپیوتر امریکایی گفت که تهه ۶ کامپیوتر دیجیتال می‌تواند کل نیاز محاسبات ایالات متحده را تامین کند. کسانی نیز پیشگویی‌های مشابه دیگری در این زمینه ارائه کردند. البته آیکن حجم عظیم اطلاعات به دست آمده از پژوهش‌های علمی تکثیر و از دیاد کامپیوتراهای شخصی با پیدایش اینترنت را حساب نکرده بود. عواملی که نیاز ما را همواره به قدرت بیشتر و بیشتر کامپیوتر افزایش می‌دهد. آیا زمانی به مقدار قدرت محاسبه‌ای که نیاز داریم دست خواهیم یافت؟ بر طبق قانون مور تعداد ترانزیستورهای یک پردازنده در هر ۱۸ ماه دو برابر می‌شود سال ۲۰۳۰ یا ۲۰۲۰ مدارهایی را در یک ریز پردازنده خواهید یافت که در مقایس اتمی اندازه گیری می‌شوند و قدم بعدی ساخت کامپیوتراهای کوانتومی خواهد بود که قدرت اتم‌ها و مولکول‌ها را برای حافظه و پردازش به کار می‌گیرند.

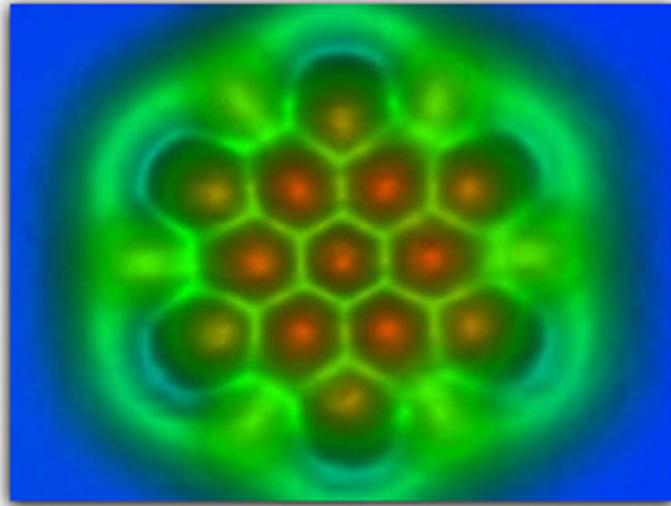
رایانه کوانتومی

رایانه کوانتومی ماشینی است که از پدیده‌ها و قوانین مکانیک کوانتومی‌مانند برهمنهی (Superposition) و درهم‌تندی (Entanglement) برای انجام محاسبات اسفاده می‌کند. کامپیوتراهای کوانتومی با کامپیوتراهای فعلی که با ترانزیستورهای کار می‌کنند تقاضا اساسی دارند. ایده اصلی که در پس کامپیوتراهای کوانتومی نهفته است این است که می‌توان از خواص و قوانین فیزیک کوانتوم برای ذخیره‌سازی و انجام عملیات روی داده‌ها استفاده کرد. یک مدل تئوریک و انتزاعی از این ماشین‌ها، ماشین تورینگ کوانتومی است که کامپیوتر کوانتومی جهانی (Universal Quantum Computer) نیز نامیده می‌شود.

اگر چه محاسبات کوانتومی تازه در ابتدای راه قرار دارد، اما آزمایش‌هایی انجام شده که در طی آنها عملیات محاسبات کوانتومی روی تعداد بسیار کمی از کوبیت‌ها اجرا شده است. تحقیقات نظری و عملی در این زمینه ادامه دارد و بسیاری از موسسات دولتی و نظامی از تحقیقات در زمینه کامپیوتراهای کوانتومی چه برای اهداف غیرنظامی و چه برای اهداف امنیتی (مثل تجزیه و تحلیل رمز، Cryptanalysis) حمایت می‌کنند. اگر کامپیوتراهای کوانتومی در مقیاس بزرگ ساخته شوند، می‌توانند مسائل خاصی را با سرعت خیلی زیاد حل کنند. البته باید توجه داشت که توابعی که توسط کامپیوتراهای کلاسیک محاسبه پذیر (Computable) نیستند، توسط کامپیوتراهای کوانتومی نیز محاسبه پذیر نخواهند بود. این کامپیوتراها نظریه چرج-تورینگ را رد نمی‌کنند. کامپیوتراهای کوانتومی فقط برای ما سرعت بیشتر را به ارمغان می‌آورند.



^۱ - عضو انجمن علمی مهندسی کامپیوترا و فناوری اطلاعات دانشگاه



اصول گزیده‌ای از رایانه‌های کوانتومی

رویای محاسبات ماشینی یا ماشینی که بتواند مسائل را در اشکال گوناگون حل کند کمتر از دو قرن است که زندگی بشر را به طور جدی در بر گرفته است. اگر از ابزارهایی نظیر چرتکه و برخی تلاشهای پراکنده دیگر در این زمینه بگذریم، شاید بهترین شروع را بتوان به تلاشهای «جارلز بایج» و «بلز پاسکال» با ماشین محاسبه مکانیکی شان نسبت داد. با گذشت زمان و تا ابتدای قرن بیستم تلاشهای زیادی جهت بهبود ماشین محاسبه مکانیکی صورت گرفت که همه آنها بر پایه ریاضیات دهدی (decimal) بود، یعنی این ماشین‌ها محاسبات را همان طور که ما روی کاغذ انجام می‌دهیم انجام می‌دادند. اما تحول بزرگ در محاسبات ماشینی در ابتدای قرن بیستم شروع شد. این زمانی است که الگوریتم و مفهوم فرایندهای الگوریتمی

(algorithmic processes) به سرعت در ریاضیات و بتدریج سایر علوم رشد کرد. ریاضیدانان شروع به معرفی سیستم‌های جدیدی برای پیاده‌سازی الگوریتمی کلی کردند که در نتیجه آن، سیستم‌های انتزاعی محاسباتی بوجود آمدند. در این میان سهم برخی بیشتر از سایرین بود. آنچه امروزه آنرا دانش کامپیوتر و یا الکترونیک دیجیتال می‌نامیم مرهون و مدیون کار ریاضیدان بر جسته انگلیسی به نام «آلن تورین» است. وی مدلی ریاضی را ابداع کرد که آنرا ماشین تورینگ می‌نامیم و اساس تکنولوژی دیجیتال در تمام سطوح آن است. وی با پیشنهاد استفاده از سیستم دودویی برای محاسبات به جای سیستم عدد نویسی دهدی که تا آن زمان در ماشین‌های مکانیکی مرسوم بود، انقلابی عظیم را در این زمینه بوجود آورد. پس از نظریه طلایی تورینگ، دیری نایید که «جان فون نویمان» یکی دیگر از نظریه پردازان بزرگ قرن بیستم موفق شد ماشین محاسبه گری را بر پایه طرح تورینگ و با استفاده از قطعات و مدارات الکترونیکی ابتدایی بسازد. به این ترتیب دانش کامپیوتر بتدریج از ریاضیات جدا شد و امروزه خود زمینه‌ای مستقل و در تعامل با سایر علوم به شمار می‌رود. گیتهای پیشرفته، مدارات ابر مجتمع، منابع ذخیره و بازیابی بسیار حجمی و کوچک، افزایش تعداد عمل در واحد زمان و غیره از مهم‌ترین این پیشرفت‌ها در بخش سخت‌افزاری محسوب می‌شوند. در ۱۹۶۵ «گوردون مور» اظهار کرد که توان کامپیوترها هر دو سال دو برابر خواهد شد. در تمام این سالها، تلاش عمده در جهت افزایش قدرت و سرعت عملیاتی در کنار کوچک‌سازی زیر ساختها و اجزای بنیادی بوده است. نظریه مور در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی تقریباً درست بود. اما از ابتدای دهه ۸۰ میلادی و با سرعت گرفتن این پیشرفت‌ها، شباهات و پرسش‌هایی در مخالف علمی مطرح شد که این کوچک‌سازی‌ها تا کجا می‌توانند ادامه پیدا کنند؟ کوچک کردن ترازیستورها و مجتمع کردن آنها در فضای کمتر نمی‌تواند تا ابد ادامه داشته باشد زیرا در حدود ابعاد نانو متري اثرات کوانتومی از قبیل تونل زنی الکترونی بروز می‌کنند. گرچه همیشه تکنولوژی چندین گام بزرگ از نظریه عقب است، بسیاری از دانشمندان در زمینه‌های مختلف به فکر رفع این مشکل تا زمان نویل، پیشنهاد کرد که باید محاسبات را از دنیای دیجیتال وارد دنیای جدیدی به نام کوانتوم کرد که بسیار متفاوت از قبلی است و نه تنها مشکلات گذشته و محدودیت‌های موجود را بر طرف می‌سازد، بلکه افق‌های جدیدی را نیز به این مجموعه اضافه می‌کند. این پیشنهاد تا اوایل دهه ۹۰ میلادی مورد توجه جدی قرار نگرفت تا بالاخره در ۱۹۹۴ «پیتر شور» از آزمایشگاه AT&T در آمریکا نخستین گام را برای محقق کردن این آرزو برداشت. به این ترتیب ارتباط نوینی بین نظریه اطلاعات و مکانیک کوانتومی شروع به شکل گیری کرد که امروز آنرا محاسبات کوانتومی یا محاسبات نانو متري (nano computing) می‌نامیم. در واقع هدف محاسبات کوانتومی یافتن روش‌هایی برای طراحی مجدد ادوات شناخته شده محاسبات (مانند گیت‌ها و ترانزیستورها) به گونه ایست که بتوانند تحت اثرات کوانتومی، که در محدوده ابعاد نانو متري و کوچکتر بروز می‌کنند، کار کنند. در این شکل به طور شماتیک و در سمت چپ یک مدار نیم جمع کننده را مشاهده می‌کنید که معادل کوانتومی و نانو متري آن در سمت راست پیشنهاد شده است. نوع اتم‌هایی به کار رفته، نحوه چیش اتم‌ها، چگونگی ایجاد سلول نمایش یافته (عماری سلولی) و چند ویژگی دیگر خصوصیات معادل با گیت‌هایی به کار رفته در نمونه دیجیتال هستند. یک راه نظری برای پیاده‌سازی سلول در این طرح، استفاده از «نقاط کوانتومی» (quantum dots) یا چیزی است که در زبان مکانیک کوانتومی آنرا «atom مصنوعی» می‌نامیم.



محاسبات کوانتومی

کامپیوتور تنها بخشی از دنیای دیجیتالی می‌نمایم. پردازش ماشینی اطلاعات، در هر شکلی، بر مبنای دیجیتال و محاسبات کلاسیک انجام می‌شود. اما کمتر از یک دهه است که روش بهتر و قدرتمندتر دیگری برای پردازش اطلاعات پیش رویمان قرار گرفته که بر اساس مکانیک کوانتومی می‌باشد. این روش جدید با ویژگیهایی همراه است که آنرا از محاسبات کلاسیک بسیار متمایز می‌سازد. گرچه محاسبات دانشی است که اساس تولد آن در ریاضیات بود، اما کامپیوتورها سیستم‌های فیزیکی هستند و فیزیک در آینده این دانش نقش تعیین کننده‌ای خواهد داشت. البته وجود تفاوت بین این دو به معنای حذف یکی و جایگزینی دیگری نیست. به قول «تیلرس بور» گاهی ممکن است خلاف یک حقیقت انکار ناپذیر منجر به حقیقت انکار ناپذیر دیگری شود. بنابراین محاسبات کوانتومی را به عنوان یک زمینه و روش جدید و بسیار کارآمد مطرح می‌کنیم.

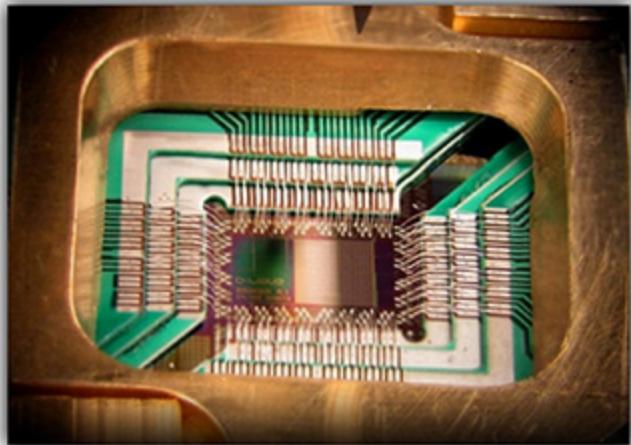
وجود چند پدیده مهم که مختص فیزیک کوانتومی است، آنرا از دنیای کلاسیک جدا می‌سازد. این پدیده‌ها عبارتند از: برهم نهی (non locality)، تداخل (interference)، عدم موجیت (superposition)، عدم موجیت (non determinism)، ناجاگزیدگی (non clonability) و تکثیر (non cloneability). برای بررسی اثرات این پدیده‌ها در این روش جدید، لازم است که ابتدا واحد اطلاعات کوانتومی را معرفی کنیم. هر سیستم محاسباتی دارای یک پایه اطلاعاتی است که نماینده کوچکترین میزان اطلاعات قابل نمایش، چه پردازش شده و چه خام است. در محاسبات کلاسیک این واحد ساختاری را بیت می‌نمایم که گزیده واژه «عدد دودویی» است زیرا می‌تواند تنها یکی از دو رقم مجاز صفر و یک را در خود نگه دارد. به عبارت دیگر هر یک از ارقام یاد شده در محاسبات کلاسیک، کوچکترین میزان اطلاعات قابل نمایش محسوب می‌شوند. پس سیستم‌هایی هم که برای این مدل وجود دارند باید بتوانند به نوعی این مفهوم را عرضه کنند. در محاسبات کوانتومی هم چنین پایه‌ای معرفی می‌شود که آنرا کیوبیت (qubit) یا بیت کوانتومی می‌نمایم. اما این تعریف کیوبیت نیست و باید آنرا همراه با مفهوم و نمونه‌های واقعی و فیزیکی درک کرد. در ضمن فراموش نمی‌کنیم که کیوبیت‌ها سیستم‌های فیزیکی هستند، نه مفاهیمی انتزاعی و اگر از ریاضیات هم برای توصیف آنها کمک می‌گیریم تنها بدليل ماهیت کوانتومی آنها است. در فیزیک کلاسیک برای نگه داری یک بیت از حالت یک سیستم فیزیکی استفاده می‌شود. در سیستم‌های کلاسیکی اولیه (کامپیوتورهای مکانیکی) از موقعیت مکانی دندانه‌های چند چرخ دنده برای نمایش اطلاعات استفاده می‌شود. از زمانیکه حساب دودویی برای محاسبات پیشنهاد شد، سیستم‌های دو حالتی انتخابهای ممکن برای محاسبات عملی شدند. به این معنی که تنها کافی بود تا سیستمی دو حالت یا دو پیکربندی مشخص، متمایز و بدون تغییر داشته باشد تا بتوان از آن برای این منظور استفاده کرد. به همین جهت، از بین تمام کاندیداهای سیستم‌های الکترونیکی و الکترونیکی برای این کار انتخاب شدند. به این شکل، هر بیت، یک مدار الکتریکی است که یا در آن جریان وجود دارد یا ندارد. هر بیت کوانتومی یا کیوبیت عبارت است از یک سیستم دودویی که می‌تواند دو حالت مجزا داشته باشد. به عبارت فنی تر، کیوبیت یک سیستم دو بعدی کوانتومی با دوپایه به شکل و است. البته نمایش پایه‌ها یکتا نیست، به این دلیل که برخلاف محاسبات کلاسیک در محاسبات کوانتومی از چند سیستم کوانتومی به جای یک سیستم ارجح استفاده می‌کنیم. از سوی دیگر اندازه‌گیری روی سیستم‌های کوانتومی حالت اصلی آنها را تغییر می‌دهد. کیوبیت در حالت کلی در یک حالت برهم نهاده از دوپایه ممکن قرار دارد. اما در اثر اندازه‌گیری حتماً به یکی از پایه‌ها برگشت می‌کند. به این ترتیب هر کیوبیت، پیش از اندازه‌گیری شدن می‌تواند اطلاعات زیادی را در خود داشته باشد.

توانایی و قدرت محاسبات کوانتومی

بین کامپیوتورهای کلاسیک و کامپیوتورهای کوانتومی نسل آینده تفاوت اساسی وجود دارد. یک کامپیوتور کلاسیک بر اساس قوانین فیزیک کلاسیک دستورات از پیش تعیین شده‌ای را اجرا می‌کند، اما یک کامپیوتور کوانتومی دستگاهی است که یک پدیده فیزیکی را براساس مکانیک کوانتومی به صورت منحصر به فردی در می‌آورد تا به صورت اساسی یک حالت جدید از پردازش اطلاعات را تشخیص دهد. در یک کامپیوتور معمولی اطلاعات به صورت یک سری بیت کدکناری می‌شوند و این بیت‌ها از طریق گیت‌های منطقی بولین که سری هستند برای تیجه نهایی دستکاری می‌شوند به طور مشابه یک کامپیوتور کوانتومی، کوبیت‌ها یا بیت‌های کوانتومی را با اجرای یک از گیت‌های کوانتومی دستکاری می‌کند و هر واحد انتقال بر روی یک تک کوبیت یا یک چفت کوبیت عمل می‌کند. با به کار بردن این کمیت‌های متوالی یک کامپیوتور کوانتومی می‌تواند یک واحد انتقال پیچیده از طریق مجموعه‌ای از کوبیت‌ها در بعضی حالات ابتدایی ایجاد کند. پیشبرد پروژه ایجاد رایانه‌های کوانتومی در یک رایانه کوانتومی به جای استفاده از ترانزیستورها و مدارهای رایانه‌ای معمولی از اتم‌ها و سایر ذرات ریز برای پردازش اطلاعات استفاده می‌شود. یک اتم می‌تواند به عنوان یک بیت حافظه در رایانه عمل کند و جایجاپایی اطلاعات از یک محل به محل دیگر نیز توسط نور امکان می‌پذیرد.



پیاده‌سازی



بک نراثه ساخته شده توسط شرکت D-Wave و طراحی شده با استفاده از ۱۲۸ ابرسازا

در سال ۲۰۱۱ شرکت کامپیوترا D-Wave Systems اولین کامپیوترا کوانتومی قابل عرضه در بازار را معرفی کرد. این کامپیوترا D-Wave One نام دارد و از یک پردازنده ۱۲۸ کیوبیتی بهره می‌گیرد. گرچه تعدادی از محققین مربوط، در مورد این کامپیوترا ابراز شک و تردید کردند. چنانچه روزی کامپیوتراهای کوانتومی راه خود را به سوی بازارهای جهانی باز کنند، تمامی افرادی که در هر یک از زمینه‌های کامپیوترا از برنامه نویسی گرفته تا تدریس در دانشگاه، می‌باشند تمامی دانسته‌های خود را به دست فراموشی بسپارند و اقدام به فرآگیری علم محاسبات کوانتوم نمایند. زیرا در حال حاضر، علم نظریه زبان‌ها و ماشین‌ها که یکی از علوم پایه در مبحث کامپیوتراهای امروزی است، تماماً بر اساس نظریه جبر بول پایه گذاری شده است.

علوم
زمینه‌سنجی
دانشجویی

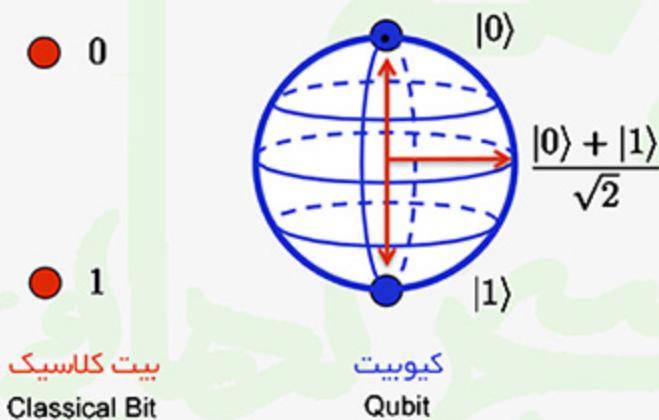
علوم
زمینه‌سنجی
دانشجویی

۴۰

ایمنی علمی
محضی کامپیوترا

بیت کوانتومی در برابر بیت کلاسیک

یک رایانه کوانتومی که دارای تعدادی بیت کوانتومی است، اساساً با کامپیوترا کلاسیک که دارای همان تعداد بیت است متفاوت است. برای مثال برای نشان دادن حالت سیستم n بیت کوانتومی روی کامپیوترا کلاسیک، احتیاج به ذخیره n ضریب مختلط است. اگرچه به نظر می‌رسد که بیت کوانتومی می‌تواند اطلاعات را بطور نمایی بیشتر از همتایان کلاسیک خود نگه دارد؛ نباید از این حقیقت بیتها کوانتومی که فقط احتمال انتساب در همه حالت‌هایشان هستند، چشم پوشی کنیم. به این معنی که وقتی حالت نهایی بیت کوانتومی اندازه‌گیری شود، آنها فقط در یکی از تنظیمات ممکن که قبلاً



اندازه‌گیری شده‌اند یافت می‌شوند. علاوه بر این اگر فکر کنیم که بیتها کوانتومی فقط در یک حالت ممکن قبل از اندازه‌گیری وجود داشته‌اند، نادرست است. چرا که این حقیقت وجود دارد که آنها در حالت‌های منطبق قبل از اینکه اندازه‌گیری شوند روی نتایج احتمالی محاسبات تأثیر مستقیم دارند. برای مثال کامپیوترا کلاسیک اولیه را در نظر بگیرید که با حافظه ۳ بیت کار می‌کند. کامپیوترا در هر زمان، یک توزیع احتمال با ۸ حالت مختلف دارد. اگر یک کامپیوترا مطمئن باشد، پس قطعاً حالتی وجود دارد که احتمال وجود آن حالت ۱ است. اگر کامپیوترا یک کامپیوترا احتمالی (غیر قطعی) باشد، احتمال این وجود دارد که کامپیوترا در هر یک از حالت‌های مختلف قرار بگیرد. ما می‌توانیم هر یک از این حالت‌های احتمالی را با ۸ عدد توصیف کنیم. باید در نظر گرفت که مجموع احتمالات این حالتها برابر با یک خواهد بود. حالت رایانه کوانتومی ۳ بیت با یک بردار ۸ بعدی توصیف می‌شود که Ket نامیده می‌شود. بنابراین به جای جمع کردن احتمال این حالتها، مجموع مربعات این حالتها را در نظر می‌گیریم که مقدار آن برابر با یک خواهد بود. علاوه بر این ضرائب اعداد مختلط هستند. گرچه دامنه این حالت‌ها با اعداد مختلط نشان داده می‌شود، فاز بین دو حالت یک پارامتر معنی دار است که این یک کلید تفاوت بین محاسبه کوانتوم و احتمال محاسبه کلاسیکی است. حالت ۳ بیت کلاسیک و ۳ بیت کوانتوم، بردارهای ۸ بعدی هستند. آنها بطور متفاوتی برای محاسبات کلاسیکی و کوانتومی عمل می‌کنند. برای محاسبه در هر زمینه، سیستم باید مقدار دهی شود.

پتانسیل

محاسبه فاکتور گیری عدد صحیح بوسیله یک کامپیوتر معمولی برای اعداد صحیح بزرگ، در صورتی که این اعداد حاصل چند عدد اول هستند (عنوان مثال حاصل ضرب ۲ عدد اول ۳۰۰ رقی) غیرممکن است. در مقایسه، یک رایانه کوانتومی می‌تواند بصورت موثری مشکل پیدا کردن این عاملها را با استفاده از الگوریتم Shore حل کند. این قابلیت رایانه کوانتومی را قادر می‌سازد بسیاری از سیستمهای رمزگاری امروزه را رمز گشایی کند، به این معنی که یک الگوریتم زمانی (در تعداد ارقام عدد صحیح) چند جمله‌ای برای حل مسئله وجود خواهد داشت. به ویژه مبنای بسیاری از رمزهای کلید عمومی متداول، مشکل بودن فاکتور گیری اعداد صحیح (یا مسائل الگوریتم مجذای مربوطه که به سادگی با الگوریتم Shore قابل حل است) شامل حالتهای مختلف RSA می‌باشد. این روشها برای اینم کردن صفحات WEB، رمز کردن ایمیل و بسیاری انواع دیگر دیتا بکار می‌روند. شکستن این‌ها پیامدهای مهمی برای محرومگی و امنیت الکترونیکی خواهد داشت. با این حال بمنظور رسید سایر الگوریتمهای رمزگاری موجود با این الگوریتم‌ها شکسته شوند. برخی از الگوریتم‌های کلید عمومی بر مبنای مسائلی بجز فاکتور گیری اعداد صحیح و الگوریتم مجذای موجود با آنها بکار می‌روند، مانند سیستم رمز McEliece بر مبنای مسئله‌ای در تئوری کدینگ قابل حل باشند. سیستمهای رمز Shore آنیز با رایانه‌های کوانتومی شکسته می‌شوند و یک الگوریتم زمانی چند جمله‌ای برای حل مسائل زیر گروه پنهان دو سطحی، که قابلیت شکستن بسیاری از رمزهای lattice را دارند، پیدا می‌کنند. ثابت شده که بکار گیری الگوریتم Grover برای شکستن الگوریتم متقارن (کلید مخفی) به روش حمله همه‌جانبه تقریباً نیاز به $2^{\frac{n}{2}}$ در حالت سنتی، به این معناست که طول کلید متقارن به صورت موثری نصف شده است. رمزگاری کوانتومی، برخی عملیات رمزگاری کلید عمومی را بصورت بالقوه بهبود می‌بخشد. علاوه بر فاکتور گیری و الگوریتم‌های مجذای، الگوریتم‌های کوانتومی یک چند جمله‌ای سرعت بخش برای معروف ترین الگوریتم سنتی که برای بسیاری مسائل پیدا شده، شامل شبیه سازی فرآیندهای فیزیک کوانتومی در شیمی و فیزیک حالت جامد، تخمین چند جمله‌ای Pell و حل معادله Jones ارائه می‌کند. هیچ استدلال ریاضی که نشان دهد الگوریتم سنتی سریع معادلی را توان یافته، پیدا نشده و بعد هم به نظر می‌رسد. برای برخی مسائل، رایانه‌های کوانتومی یک چند جمله‌ای سرعت بخش ارائه می‌کنند. معروف ترین نمونه آن، جستجوی پایگاه داده کوانتومی است که با استفاده از الگوریتم Grover با پرسشهای کمتر از پایگاه داده نسبت به روش سنتی حل می‌شود. این مزیت قابل اثبات است. نمونه‌های متعددی از سرعت بخشی کوانتومی برای مسائل مربوط به query ها مانند یافتن توابع دو-به-یک و برآورد NAND trees اثبات شده است.

سخن آخر

کامپیوتراهای کوانتومی زمانی توانایی‌های خود را آشکار می‌کنند که نوبت به حل مسائل مربوط به بهینه‌سازی بررسد. برخی از این مسائل آنقدر پیچیده هستند که یک کامپیوتر معمولی برای حل شان به زمانی بسیار زیاد (مثلاً یک میلیارد سال) احتیاج خواهد داشت. به عبارتی دیگر می‌توانیم بگوییم محاسبات کوانتومی سعی می‌کند توانایی طبیعت برای تعامل با جهان را کنکاکش کرده و نقلید کند. درک این مطالب به احتمال زیاد برای شما هم مشکل است، اما این تنها نوک قله کوه بین است که از دل اقیانوس بیرون زده است.

منابع:

- [1] ویکی پدیا فارسی
- [2] www.1pezeshk.com
- [3] www.narenji.ir
- [4] www.webkaran.com
- [5] www.xti.ir
- [6] www.hottech.blogfa.com

گزارش فعالیت انجمن مهندسی کامپیوتر

فعالیت های انجمن علمی مهندسی کامپیوتر و فن آوری اطلاعات دانشگاه به شرح زیر است:

۱- برگزاری مسابقات داخلی ACM

کارگروه ACM زیر نظر انجمن علمی مهندسی کامپیوتر و فناوری اطلاعات اولین دوره مسابقات ACM را با هدف ارتقای سطح برنامه نویسی و مهارت های حل مسئله دانشجویان تحت عنوان "لیگ مسابقات برنامه نویسی دانشجویی ACM دانشگاه شیخ بهایی" در تاریخ پنجمین مهرماه ۱۸ مهرماه در محل دانشگاه برگزار نمود.

۲- برگزاری دوره Network+

انجمن علمی مهندسی کامپیوتر و فناوری اطلاعات با در نظر گرفتن نیاز دانشجویان به دوره شبکه اقدام به برگزاری کلاس های شبکه نمود.
اطلاعات دوره:

تاریخ اطلاع رسانی: ۲۷ مهر ماه به مدت ۱۰ روز

تاریخ برگزاری جلسه توجیهی: ۳۱ آبان ماه

مدرس دوره: مهندس کمال کعنانی

سطح دوره: Network+

تعداد جلسات: ۲۰ جلسه دو ساعته (۴۰ ساعت)

تعداد دانشجویان ثبت نام شده: ۳۱ نفر

تاریخ برگزاری جلسه اول: ۸ آبان ماه

زمان برگزاری: هر چهارشنبه ساعت ۱۰ الی ۱۳

۳- برگزاری همایش کارآفرینی با طعم اینترنت:

انجمن علمی مهندسی کامپیوتر و فناوری اطلاعات با همکاری گروه استارتاپ ویکند اصفهان در تاریخ ۱۴ آبان ماه اقدام به برگزاری همایشی تحت عنوان "همایش کارآفرینی با طعم اینترنت (راه اندازی کسب و کارهای نوپای اینترنتی)" نمود. این همایش به مدت ۳:۳۰ ساعت (۱۱ الی ۱۴:۳۰) به طول انجامید و در آن ۷۹ نفر از دانشجویان عزیز شرکت داشتند.

در این همایش فعالیت عرصه کارآفرینی و استارتاپ آقایان ناصری، غانم زاده، مژروعی، زمانی و شهرآشوب سخنرانی نمودند.

۴- برگزاری دوره MS Project

با توجه به نیاز دانشجویان رشته IT، انجمن علمی مهندسی کامپیوتر و فناوری اطلاعات اقدام به برگزاری دوره MS Project نموده است. این دوره تحت نظرارت مهندس نصر می باشد.

هزینه ثبت نام ۱۵ هزار تومان می باشد و طی ۱۰ ساعت برگزار می گردد.

۴- فعالیت مجله کانکت:

انجمن علمی مهندسی کامپیوتر و فناوری اطلاعات به منظور نشر جدید مجله کانکت از اول مهرماه از کلیه دانشجویان علاقه مند در زمینه مقاله نویسی، طراحی کاریکاتور، طراحی صفحات و جلد مجله دعوت به همکاری نموده است.

هم اکنون تمام مقالات جمع اوری شده و در حال بررسی می باشد و کارگروه مجله در حال حاضر مشغول طراحی صفحات مجله و ویراستاری می باشدند.

۵- برگزاری دوره آموزشی رباتیک(ساخت ربات واقعی)

کارگروه رباتیک زیر نظر انجمن علمی مهندسی کامپیوتر و فناوری اطلاعات در نظر دارد جهت گسترش علم رباتیک در دانشگاه و همچنین بهره گیری از دانشجویان علاقه مند اقدام به برگزاری دوره رباتیک نماید. فراخوان برگزاری دوره از تاریخ ۲۵ آبان ماه به مدت دو هفته می باشد.

اطلاعات دوره:

مدرس دوره: صادق شمس بگی

سطح دوره: مقدماتی - متوسطه

تعداد جلسات: ۸ جلسه دو ساعته (۱۶ ساعت)

زمان برگزاری: هفته دوم آذر ماه

در پایان دوره دانشجویان قادر به ساخت یک ربات واقعی (تعییب خط) می باشند که هزینه ساخت ربات را خود دانشجویان متقابل می شوند. کارگروه رباتیک درنظر دارد با برگزاری مسابقات رباتیک داخلی در هفته اول اسفند ماه افراد توانمند را شناسایی کرده و از آن ها در تیم رباتیک دانشگاه یاری بگیرد.



أخبار دانشگاه

به مناسبت فرا رسیدن ماه محرم بسیج اساتید دانشگاه شیخ بهائی اقدام به برگزاری مراسم زیارت عاشورا نمود. این مراسم با حضور مسئولین، اساتید و دانشجویان دانشگاه در دهه اول ماه محرم هر روز صبح در محل مجتمع شماره ۲ دانشگاه برگزار شد.

جمعی از مسئولین، اساتید و کارمندان دانشگاه شیخ بهائی در مراسم بزرگداشت سرور و سالار شهیدان امام حسین (ع) که توسط سازمان تبلیغات شهر بهارستان در مسجد امام علی (ع) بهارستان برگزار شد، شرکت کردند.



نشست شورای کانون بسیج اساتید در هفته بسیج با حضور مسئولین دانشگاه در تاریخ پنجم آذر ماه و همزمان با هفته بسیج برگزار گردید. در این جلسه آقای بهرامی پور سرپرست کانون بسیج اساتید دانشگاه شیخ بهائی، ضمن تبریک هفته بسیج، هدف از برگزاری جلسه را تنظیم و صدور بیانیه‌ای در راستای منویات مقام معظم رهبری (مدظلمه‌العالی) در بخش مدیریتی کشور مطرح کردند. در ادامه جلسه آقای دکتر زعفرانی ریاست محترم دانشگاه، ضمن تبریک هفته بسیج، پیشنهاد دادند دستور جلسه‌ای برای برگزاری جلسات حلقه صالحین تهیه گردد تا در هر جلسه به یکی از موضوعات مطرح شده در این صورت جلسات پرداخته شود و در این زمینه می‌توان از کارشناسان مربوط به آن موضوع، جهت شرکت در جلسه دعوت به عمل آورد.

با فرا رسیدن روز دانشجو امور فرهنگی دانشگاه شیخ بهائی اقدام به انجام فعالیت‌های مختلف با هدف تکریم هر چه بیشتر دانشجو نمود. در همین راستا علاوه بر نصب پوسترها و بنرها، ارسال پیامک تبریک به دانشجویان و ... به منظور افزایش بیش دانشجویان و آشنازی با مخاطرات اجتماعی موجود همایشی با موضوع اطلاع رسانی علیه قلیان و ویروس HIV باهمکاری مرکز بهداشت اصفهان نمود. در این جلسه از آقای دکتر شیری و خانم دکتر طلائی در خصوص موضوعات مربوطه سخنرانی نمودند.



جلسه‌ی گردهمایی دانشجویان شاهد و ایثارگر دانشگاه با مسئولین بنیاد شهید استان و مسئولین دانشگاه در تاریخ ۹۲/۹/۲۶ در تالار شیخ بهائی برگزار گردید. در این جلسه آقای دکتر زعفرانی ریاست محترم دانشگاه، دریافت سهمیه‌ی سفر مشهد مقدس از طرف بنیاد شهید استان را به دانشجویان عزیز شاهد و ایثارگر نوید دادند. در ادامه آقای بهرامی پور، مسؤول ستاد شاهد و ایثارگر دانشگاه، آمار دانشجویان ممتاز شاهد و ایثارگر دانشگاه، تعداد کلاس‌های تقویت بنیه‌ی علمی برگزار شده در ترم جاری، تعداد و امدادی داده شده توسط صندوق رفاه دانشجویی به عنوان بن خرید کتاب و ... را ارائه نمودند. سپس جناب آقای قریشی، معاون محترم فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران استان، آمار دانشجویان شاهد استان را مطرح کرده و در مورد فعالیت‌های بنیاد نظری پرداخت شهریه‌ی دانشجویان برای تحصیلات تكمیلی، چاپ مقالات و تألیفات دانشجویان شاهد و ایثارگر در مجله‌ی علمی نخبگان و واگذاری سهمیه‌ی حج عمره به دانشجویان صحبت کردند. در پایان، پس از پرسش و پاسخ دانشجویان با مسئولین حاضر در جلسه، قرعه کشی سهمیه‌ی حج عمره دانشجویان انجام شد.

با فرا رسیدن ماه صفر بسیج دانشجویی شهید همت دانشگاه شیخ بهائی اقدام به برگزاری سه شب مراسم عزاداری در دانشگاه نمود. این جلسات که با حضور مسئولین دانشگاه برگزار می‌شد بسیار مورد توجه دانشجویان قرار گرفت.

دهمین هفته پژوهش دانشگاه شیخ بهائی از تاریخ ۲۳ تا ۲۸ آذر برگزار شد در این هفته، اساتید، دانشجویان و پژوهشگران مختلف در دانشگاه شیخ بهائی اقدام به ارائه مقالات خود نمودند در طول این هفته بیش از ۷۵ مقاله در موضوعات مختلف ارائه گردید.

پیامبر اکرم ﷺ، فرمودند:

خداوند وقتی بخواهد
بندهای را هلاک کند

را ازاو می گیرد
وقتی حیا ازاو گرفته شد
منفور می گردد.

Jame' of Sheikh Bahaei

Internal Magazine of Sheikh Bahaei Uni, Dec 2013

